

مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ثالث ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی (با تحلیلی اجمالی از بحران سوریه)

علی توکلی طبسی *

فرنگیس منصوری **

محمدتقی رضایی ***

توکل حبیب‌زاده ****

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۷/۱۲، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۸/۱۲)

چکیده

مسئولیت دولت‌های ثالث ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات داخلی در واقع، بخشی از یک قاعده کلی‌تر تحت عنوان مسئولیت ناشی از کمک، مساعدت یا معاونت در نقض حقوق بین‌الملل است که سابقه زیادی در حقوق بین‌الملل ندارد و تنها از جنگ جهانی دوم است که چنین قاعده‌ای مطرح شده است. اصولاً دولت‌ها در روابط بین‌المللی خود آزاد هستند که در چارچوب مقررات و موازین حقوق بین‌الملل به مبادلات اقتصادی، نظامی، فرهنگی و غیره با یکدیگر بپردازند و به یکدیگر برای مقاصد مختلف کمک نمایند. در جریان این مبادلات و کمک‌ها، دولت‌های دریافت‌کننده کمک، بعضاً مرتکب اقداماتی در جهت نقض تعهدات بین‌المللی مانند نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌شوند. دولت‌ها و اشخاص صدمه‌دیده از این اقدامات، با استناد به قاعده مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت یا به‌عبارتی معاونت در نقض حقوق بین‌الملل، دولت‌های اعطاکننده کمک را، به‌علت تسهیل اعمال متخلفانه دولت

tavakkol_ali@yahoo.com

farang.mansoori@gmail.com

rezaeimt@yahoo.com

thabibzadeh@gmail.com

* نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه پیام نور

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور

*** استادیار دانشگاه پیام نور

**** استادیار دانشگاه امام صادق(ع)

دریافت‌کننده کمک، مسئول قلمداد می‌کنند.

بدیهی است این مقاله، مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت یا معاونت در نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را با نگاهی به مخاصمه داخلی سوریه، مطالعه می‌کند. این مسئولیت، برای دولت‌های ثالث به دلیل نقش داشتن در نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه نه در قلمرو سرزمینی خود بلکه در قلمرو تحت صلاحیت دولت درگیر در یک مخاصمه داخلی رخ می‌دهد. بدین ترتیب ضمن نگاهی به ریشه و مبنای این قاعده در اسناد بین‌المللی و رویه محاکم قضایی بین‌المللی، به بررسی چگونگی تحقق این نوع مسئولیت در چارچوب معیارهای مطرح شده از سوی محاکم بین‌المللی پرداخته و نشان داده خواهد شد که قابلیت انتساب نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات داخلی از جمله مخاصمه سوریه به دولت‌های کمک‌کننده و حامی در پرتو تبعیت از معیار «کنترل کلی» به مراتب آسان‌تر و البته مناسب‌تر خواهد بود.

واژگان کلیدی

مسئولیت بین‌المللی، دولت‌های ثالث، کمک و مساعدت، هدایت و کنترل، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مخاصمه داخلی، سوریه

۱. ریشه و مبنای مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ثالث

قبل از هر چیز، ریشه و مبنای مسئولیت دولت‌های ثالث به دلیل کمک و معاونت در نقض حقوق بین‌الملل به‌طور کلی در اسناد بین‌المللی و رویه قضایی بین‌المللی و سپس مبنای آن در قواعد حقوق بشردوستانه بررسی خواهد شد.

۱-۱. طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی در ماده ۲۷ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۷۸ انعکاس یافته بود. این ماده مقرر می‌داشت که «اگر ثابت شود کمک یا مساعدت یک دولت به دولت دیگر برای ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی بوده است که دولت اخیر انجام داده، این کمک و مساعدت به‌خودی‌خود، از نظر بین‌المللی نادرست است ولو اینکه فی‌نفسه ناقض یک تعهد بین‌المللی نباشد».

بر اساس تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل، عبارت‌پردازی این ماده آشکار می‌سازد که اقدام دولت ثالث نباید از محدوده کمک یا یاری فراتر برود زیرا اگر اقدام یک دولت از این محدوده فراتر برود دیگر صرف کمک یا مساعدت مطرح نخواهد بود بلکه شکل‌های دیگر همراهی با یک عمل متخلفانه بین‌المللی به‌وجود می‌آید که می‌تواند تا حد همکاری واقعی برای ارتکاب عملی که از نظر بین‌المللی نامشروع است قرار گیرد.

عبارت پایانی ماده ۲۷ مبنی بر اینکه «حتی اگر کمک یا یاری به‌تنهایی نقض یک تعهد بین‌المللی به‌شمار نیاید» بر این امر تأکید می‌ورزد که ماهیت کمک و مساعدت و به‌عبارتی «معاونت» برای ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی با ماهیت عمل متخلفانه بین‌المللی ارتکاب‌یافته، جدا و متمایز از یکدیگرند؛ یعنی خارج از چارچوب کمک و مساعدت برای ارتکاب عمل متخلفانه، عمل مزبور، خود ممکن است از نظر بین‌المللی نادرست باشد یا نباشد.^۱ در طرح نهایی کمیسیون حقوق بین‌الملل، یعنی طرح مصوب سال ۲۰۰۱، بحث مسئولیت دولت ثالث به دلیل کمک و مساعدت یا به‌نحوی نقش‌داشتن در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی از سوی دولت یا نهادهای غیردولتی، در مواد ۸ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ اشاره شده است.

طبق ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ که مهم‌ترین ماده در این خصوص است، «دولتی که در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر به او مساعدت یا کمک می‌کند در صورت وجود شرایط زیر مسئولیت بین‌المللی دارد:

(الف) آن دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی به این کار اقدام کند؛ و
(ب) فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت، فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد».

ماده ۱۶ به وضعیتی می‌پردازد که در آن، دولتی به‌منظور تسهیل ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر به او کمک یا مساعدت می‌کند. چنین وضعیتی‌هایی هنگامی رخ می‌دهد که یک دولت به‌صورت ارادی در انجام رفتاری که ناقض تعهدات بین‌المللی دولت دیگر است او را کمک یا مساعدت می‌کند. برای مثال، آگاهانه تجهیزات لازم را در اختیار او قرار داده یا فعالیت موردبحث را تأمین مالی کند. به‌موجب ماده مزبور، کمک یا مساعدت دولت کمک‌کننده نباید با مسئولیت دولت مباشر خلط شود. در چنین حالتی دولت کمک‌کننده، تنها تا حدی که رفتار او موجب عمل متخلفانه بین‌المللی شده یا به وقوع آن کمک کرده باشد، مسئول است.^۲

به‌موجب ماده ۱۷ «دولتی که ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر را «هدایت»^۳ و «کنترل»^۴ می‌کند در صورت وجود شرایط زیر، مسئول آن فعل خواهد بود:

(الف) آن دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی به این کار اقدام کند؛ و
(ب) فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت، فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد».

1. Y.B.I.L.C, 1978, Para1, p. 59.

2. ابراهیم گل، علیرضا، مسئولیت بین‌المللی دولت، پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴.

3. Direct

4. Control

ماده ۱۷ از عامل دیگری برای تحقق مسئولیت دولت صحبت می‌کند و آن عامل «هدایت» و «کنترل» است. بنابراین علاوه بر مساعدت و کمک، چنانچه دولتی، دولت دیگر را در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی هدایت و کنترل کند، مسئول آن فعل خواهد بود. لازم به ذکر است در ماده ۱۶ دولت کمک‌کننده، تنها به میزان همان کمک یا مساعدتی که به منظور ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر انجام داده، مسئول خواهد بود. در مقابل در ماده ۱۷، دولتی که بر ارتکاب یک فعل متخلفانه توسط دولت دیگر هدایت و کنترل دارد؛ مسئول آن فعل خواهد بود زیرا انجام کل آن فعل را هدایت و کنترل کرده است.^۵ در کنار ماده ۱۷، ماده ۸ به وضعیتی می‌پردازد که یک دولت از طریق «هدایت» و «کنترل» شخص یا گروهی از اشخاص، مرتکب رفتار متخلفانه بین‌المللی می‌شود. طبق ماده مزبور، رفتار شخص یا گروهی از اشخاص، در صورتی که به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت عمل کنند به موجب حقوق بین‌الملل، فعل دولت تلقی می‌شود. نمونه بارز مصداق ماده ۸، اعمال کنترل و هدایت گروه‌های شورشی و گروه‌های مسلح مخالف مستقر در کشورهای درگیر جنگ داخلی یا کنترل و هدایت گروه‌های تروریستی در کشورهای دیگر است.

ماده دیگری که در بحث مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت می‌توان به آن استناد نمود، بند ۲ ماده ۴۱ طرح ۲۰۰۱ مسئولیت دولتهاست؛ البته این ماده مربوط به وضعیتی است که نقض جدی یک تعهد آمره اتفاق افتاده و دولت‌های ثالث می‌بایست از شناسایی این وضعیت یا هرگونه کمک و مساعدت به حفظ آن وضعیت خودداری نمایند.

طبق بند ۲ ماده ۴۱، هیچ دولتی نباید وضعیتی را که با نقض جدی در مفهوم ماده ۴۰ نقض (قواعد آمره) ایجاد شده است قانونی محسوب کند و نباید هیچ‌گونه کمک یا مساعدتی در حفظ آن وضعیت ارائه دهد.

نخستین تعهد مندرج در بند ۲ ماده ۴۱، به قدری مهم تلقی می‌شود که از آن به‌عنوان یک سلاح قانونی مهم در مقابله با نقض‌های جدی قواعد آمره و قواعد اساسی حقوق بین‌الملل یاد می‌شود. نمونه‌ای از این نوع تعهدات، تعهد مربوط به عدم شناسایی اکتساب سرزمین از طریق توسل به زور یا کسب حاکمیت از طریق نقض حق تعیین سرنوشت یک ملت است.^۷ تعهد دوم موجود در بند ۲ ماده ۴۱ دولتها را از ارائه کمک یا مساعدت در جهت حفظ وضعیت

۵. ابراهیم گل، همان، ص ۱۱۹.

6. jus cogens

7. C. Tomuschat, "International Crimes by States: An Endangered Species", in K. Wellens (ed), *International Law, Theory and Practice*, 1998, p. 253.

ایجادشده به وسیله نقض‌ها باز می‌دارد. این مسئله فراتر از مسئله کمک یا مساعدت به ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی مذکور در ماده ۱۶ است. بنابراین این ماده از خود ارتکاب نقض فراتر رفته و به حفظ وضعیت ناشی از آن نقض می‌پردازد، چه خود نقض ادامه‌دار باشد و چه این‌گونه نباشد.^۸ بنابراین ماده ۴۲ به رفتاری نظر دارد که به دولت مسئول در حفظ وضعیتی کمک شود که آن وضعیت، «نقض یک تعهد آمره» یا «یک تعهد عام‌الشمول» بوده، لذا مشروعیت آن به دلیل مغایرت با حقوق بین‌الملل پذیرفته نیست و این مسئولیت از سوی همگان قابل استناد است.^۹ مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت در ماده ۵۷ پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی مصوب ۲۰۰۹ کمیسیون حقوق بین‌الملل^{۱۰} نیز پیش‌بینی شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «در صورتی کشور عضو از نظر بین‌المللی مسئول تلقی می‌شود که به سازمان‌های بین‌المللی در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، کمک و با آن‌ها همکاری کند به شرطی که این همکاری و کمک، همراه با علم و آگاهی به اوضاع و احوال موضوع باشد ...».

۱-۲. کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک

به موجب ماده ۱ این کنوانسیون، دولت‌های عضو متعهد شده‌اند که هرگز اقدام به تولید، استحصال، انباشت و استفاده از تسلیحات بیولوژیکی نکنند. به علاوه به موجب ماده ۳ ملزم شده‌اند که از انتقال مستقیم یا غیرمستقیم سلاح به کشور دیگر و نیز کمک یا تشویق آن دولت جهت تولید یا دستیابی به سلاح‌های بیولوژیکی و تسلیحات کشتار جمعی خودداری نمایند. بنابراین در چارچوب این کنوانسیون، دولت‌ها نه تنها از صادرات سلاح‌های بیولوژیک منع شده‌اند بلکه به جلوگیری از صدور این تسلیحات توسط نهادهای تحت سلطه و قدرت خود نیز ملزم شده‌اند. بر این اساس صدور تسلیحات و تجهیزات بیولوژیکی به کشور درگیر جنگ، نقض مفاد کنوانسیون بوده و نوعی مساعدت به نقض قوانین بین‌المللی محسوب می‌شود.^{۱۱}

۱-۳. اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق بشردوستانه

یکی از تعهدات اصلی دولت‌ها در حوزه قواعد بشردوستانه، «تعهد به رعایت و تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه» است که در ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و نیز

8. A. Bird, "Third State Responsibility for Human Rights Violations", *EJIL*, vol. 21, No. 4, 2011, p. 889.

9. Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia Notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970) & 1. C. J. Reports 1971, p. 16 at p. 56, para. 126.

10. Draft Articles on Responsibility of International Organizations (DARIO)

11. M. Gibeny and Others, K. Tomasevski and J. Vedsted-Hansen, "Transnational State Responsibility for Violation of Human Rights", *Harvard Human Rights Journal*, vol. 129, 1999, p. 287.

ماده ۱ پروتکل الحاقی اول گنجانده شده است. رویه دولت‌ها این قاعده را به‌منزله یک قاعده عرفی در همه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی قابل اعمال می‌داند.^{۱۲} به‌موجب این تعهد، دولت‌ها متعهد می‌شوند که به مفاد کنوانسیون‌ها در «تمامی اوضاع و احوال»، احترام گذاشته و رعایت مفاد این کنوانسیون‌ها را مورد تضمین قرار دهند. «تعهد به رعایت» مقررات بشردوستانه، ویژه رفتار دولت‌ها بوده و «تعهد به تضمین»، تعهد دولت‌ها در واداشتن دیگران به رعایت این مقررات است.^{۱۳}

در واقع «تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه»، نوع ویژه‌ای از تعهدات دولت‌ها در حقوق بین‌الملل است که بر اساس آن دولت‌ها نه‌تنها در قبال اعمال خود، بلکه نسبت به رفتار دیگران نیز تعهداتی را می‌پذیرند. به‌عبارت‌دیگر، دولت‌ها نه‌تنها خود متعهد به رعایت این مقررات هستند بلکه تعهداتی را جهت ایجاد بسترهای مناسب برای اجرای مقررات مزبور توسط دیگران و نیز مقابله با دولت‌های متخلف، بر عهده می‌گیرند.^{۱۴}

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، در تفسیر ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، مکرراً اعلام کرده است که تعهد به تضمین رعایت حقوق بشردوستانه، صرفاً به رفتار طرفین درگیر در مخاصمه محدود نمی‌شود بلکه این الزام را نیز شامل می‌شود که دولت‌ها باید تمام توان خود را برای تضمین رعایت جهانی حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌کار بندند.

در بیانیه نهایی «کنفرانس بین‌المللی حمایت از قربانیان جنگ» در سال ۱۹۹۳ دولت‌ها بر مسئولیت خود «طبق ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو در خصوص رعایت و تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌منظور حمایت از قربانیان جنگ» تأکید کردند.^{۱۵}

دولت‌ها در پرتو تعهد به تضمین رعایت مقررات بین‌المللی بشردوستانه، دو نوع تعهد ایجابی^{۱۶} و سلبی^{۱۷} دارند. در چارچوب تعهد ایجابی که در بحث تعهد به رعایت حقوق بشردوستانه وجود دارد، اعتقاد بر این است که همه دولت‌ها حق دارند رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه را از سوی دولت‌های درگیر در هر نوع مخاصمه مطالبه کنند زیرا کلیه دولت‌ها در رعایت این قوانین که ویژگی «عام‌الشمول» و جهانی دارند، از منافع حقوقی برخوردارند و در نتیجه حق دارند که رعایت

۱۲. هنکرتز، ژان ماری، و دیگران، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی*، ترجمه: دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ج اول، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۷، ص ۷۰۰.

13. J. Pictet, Commentary on the Geneva Convention I of 1949, ICRC, Geneva, 1960, p. 27.

۱۴. صابری، هنگامه، *ضمانت اجرای حقوق بشردوستانه، تعهد دولت‌ها در ترغیب یکدیگر به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه*، انتشارات وزارت امور خارجه، چ اول، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۸۵.

15. Final Declaration of the International Conference for the Protection of War Victims, 1.9.1993, Geneva

16. Active Obligation

17. Passive Obligation

آن را خواستار شوند. در این رابطه، دولت‌ها با استفاده از «اعتراض دیپلماتیک» یا «اقدامات جمعی» حتی‌المقدور سعی نموده‌اند که از نفوذ خود برای متوقف‌ساختن نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه استفاده کنند.^{۱۸} بر اساس تعهد سلبی، «دولت‌ها نباید نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط طرف‌های درگیر در درگیری‌های مسلحانه را تشویق و ترغیب کرده (یا کمکی به ارتکاب این نقض‌ها) بکنند».^{۱۹}

بر پایه همین تعهد است که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه ضمن اعلام این نکته که «تعهد رعایت و تضمین رعایت قواعد بشردوستانه بین‌المللی، ریشه در اصول کلی حقوق بین‌الملل بشردوستانه دارد، چنین نتیجه‌گیری کرد که ایالات متحده آمریکا «متعهد بوده که افراد و گروه‌های درگیر در مخاصمه داخلی نیکاراگوئه را تشویق به نقض مفاد ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ نکند».^{۲۰}

یکی دیگر از مصادیق تعهد سلبی، خودداری از انتقال تسلیحات برای نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است. در بیست‌وهشتمین کنفرانس بین‌المللی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در دسامبر ۲۰۰۳ اعلام شد^{۲۱} یکی از تعهدات دولت‌های ثالث در چارچوب اصل «تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه» این است که در هنگام انتقال تسلیحات، تمامی احتیاط لازم را به کار بگیرد که چنین تسلیحاتی برای نقض حقوق بشردوستانه استفاده نشود. همچنین در این کنفرانس تأکید شده که دولت‌ها در پرتو تعهد سلبی نباید طرفین درگیری را به نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه تشویق کنند. به‌علاوه باید از کمک و ترغیب به وقوع چنین نقض‌هایی خودداری نمایند.^{۲۲}

به‌علاوه ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها، با استناد به مسئولیت دولتی که آگاهانه و از روی علم، دولت دیگر را در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی یاری می‌رساند، بر این جنبه منفی تعهد مذکور صحنه گذاشته است. یک مثال این تعهد سلبی، ممنوعیت انتقال سلاح و فروش تسلیحات برای یک دولت به دولت دیگر یا طرف دیگر مخاصمه است درحالی‌که ارسال‌کننده می‌داند این سلاح‌ها در جهت ارتکاب نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به کار خواهد رفت.^{۲۳}

18. Annual Report of International Conference of Red Cross, No. 298, January – February 1994, p. 9.

19. قاعده ۱۴۴ مجموعه قواعد عرفی بشردوستانه در هنکرتز و دیگران، همان.

20. Nicaragua Case, 1986, Para. 220

21. 28th International Conference of the Red Cross and Red Crescent, 2-6 December 2003, pp. 23, 47-51 available at: <http://www.icrc.org>

22. *Ibid*

23. ICRC, Improving Compliance with International Humanitarian Law, Background Paper Prepared for Informed High-Level Expert Meeting on Current Challenges to International Humanitarian Law, Cambridge, June 25-27, 2004.

بنابراین از مفهوم ماده ۱ مشترک به‌طور غیرمستقیم استنباط می‌شود که دولت‌های مزبور نباید طرف‌های درگیری در کلیه مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی را به نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه تشویق و ترغیب نمایند یا به آن‌ها در ارتکاب این نقض‌ها کمک و یاری برسانند.

۱-۴. رویه دولت‌ها

یکی از مصادیق مهم مسئولیت دولت‌های ثالث، اعطای کمک‌های مالی، تسلیحاتی و نظامی یا به‌طورکلی، کمک‌های مادی است که دولت دریافت‌کننده آن‌ها را در جهت نقض تعهدات بین‌المللی علیه دولت ثالث یا برای سرکوب شورشیان در جریان یک مخاصمه داخلی به‌کار گیرد. موارد بسیاری از رویه دولت‌ها در خصوص این نوع کمک‌ها و محکومیت آن موجود است که در این قسمت، تعدادی از آن ذکر می‌شود:

بند ۵ ماده ۲ منشور ملل متحد که از اعضا می‌خواهد از کمک به کشوری که سازمان ملل متحد علیه آن اقدامات احتیاطی یا قهری اتخاذ می‌نماید خودداری نمایند، نشان می‌دهد که دولت‌های تصویب‌کننده منشور، بر این عقیده‌اند که تسهیل اقدامات دولتی که سازمان ملل متحد، به دلیل ارتکاب تجاوز یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی، علیه آن اقدامات قهری یا احتیاطی به‌عمل می‌آورد، مغایر با اهداف منشور و حقوق بین‌الملل به‌طور کلی است و باید از آن اجتناب شود. این عقیده بر همان فلسفه‌ای مبتنی است که مبنای قاعده مسئولیت ناشی از معاونت در نقض حقوق بین‌الملل است.

در سال ۱۹۵۸، پارلمان انگلیس راجع به تأمین تسلیحات و تجهیزات نظامی توسط برخی دولت‌ها برای یمن که آن‌ها را متعاقباً در حمله‌ای علیه عدن به‌کار گرفته بود، از دولت انگلیس توضیح خواست. وزارت مستعمرات انگلیس به همراه وزارت خارجه آن کشور در این خصوص اعلام کرد:

«... سیاست حکومت علیاحضرت همیشه بر جلوگیری از تحویل اسلحه به خاورمیانه اصرار داشته است لیکن تحویل اسلحه فی‌نفسه مبنایی برای اعتراض نیست. البته حکومت علیاحضرت، اقدامات تجاوزکارانه یمن را در سرحدات، به سازمان ملل متحد گزارش نموده و به حکومت یمن اعتراض کرده است».^{۲۴}

لاتریاخت در تفسیر خود بر این پاسخ اظهار کرد که این موضع سخنگوی حکومت بریتانیا، بر سه اصل مبتنی بوده است:

الف) تأمین اسلحه توسط یک دولت برای دولت دیگر، در صورتی که به‌عنوان مثال، منعی از سوی سازمان ملل متحد وجود نداشته باشد، کاملاً قانونی است؛

ب) مسئولیت ناشی از استفاده نامشروع از سلاح‌های مزبور، در وهله اول برعهده دولتی است

که آن‌ها را دریافت می‌کند؛

ج) حقایق فوق، مانع از شناسایی این امر نیست که دولتی که آگاهانه به قصد کمک دولت دیگر برای اقدام در مغایرت با تعهدات بین‌المللی‌اش اسلحه تأمین می‌کند، نمی‌تواند از مسئولیت ناشی از معاونت و مساعدت در چنین رفتار نامشروعی رهایی یابد».^{۲۵}

دولت‌های اعطاکننده کمک، با تصریح این موضوع به دولت‌های دریافت‌کننده مبنی بر عدم به‌کارگیری منابع دریافتی برای تجاوز و همچنین تأکید بر قطع کمک‌ها در صورت اقدام بر خلاف این تعهد، در واقع اصل عدم مشروعیت تأمین کمک برای اهداف نامشروع و متخلفانه را به رسمیت شناخته‌اند. به‌عنوان مثال، ایالات متحده در قراردادهای خود با دول دریافت‌کننده کمک تصریح می‌کند که امکانات تأمین‌شده تنها می‌تواند برای تأمین امنیت داخلی، دفاع مشروع از خود، امکان شرکت دولت دریافت‌کننده در سازمان‌های منطقه‌ای یا اقدامات جمعی موافق با منشور سازمان ملل متحد یا امکان شرکت در اقدامات جمعی مورد درخواست سازمان ملل متحد برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به کار رود.^{۲۶}

در سال ۱۹۶۶ و ۱۹۶۸ شورای امنیت طی قطعنامه‌های شماره ۲۳۲ و ۲۵۳، دولت‌ها را به تحریم اقتصادی رودزیای جنوبی فرا خواند. علت این تحریم، استقرار یک حکومت نژادپرست در آن کشور بود. یکی از قطعنامه‌های مزبور از دولت‌ها می‌خواست که از ارائه کمک‌های مالی یا سایر کمک‌های اقتصادی به رژیم نژادپرست نامشروع در رودزیای جنوبی اجتناب نمایند. علت وضع این تحریم آن بود که حکومت مزبور با ایجاد یک رژیم مبتنی بر نژادپرستی، در حال ارتکاب عمل نامشروع بود و کمک‌های اقتصادی و مالی می‌توانست موجب تسهیل و تداوم این عمل نامشروع شود. تقریباً تمامی اعضای سازمان ملل متحد این تحریم را رعایت کردند.^{۲۷}

در سال ۱۹۸۰، شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۴۶۵ که در مورد ساخت واحدهای مسکونی در قلمرو اشغالی فلسطین صادر کرده بود، مفهوم معاونت در نقض حقوق بین‌الملل را به کار برد، شورای مزبور، بعد از اعلام اینکه این اسکان‌ها حقوق بین‌الملل را نقض نموده است، از کلیه دولت‌ها خواست که از دادن هرگونه کمک به اسرائیل، خصوصاً در ارتباط با اسکان در سرزمین‌های اشغالی اجتناب نمایند. در بند ۷ قطعنامه مزبور چنین آمده است:

«... از کلیه دولت‌ها می‌خواهد که هرگونه کمک را که به‌ویژه در ارتباط با اسکان در

25. E. Lauterpacht, "The Contemporary Practice of the United Kingdom in the Field of International Law", *International Comparative Law Quarterly*, vol. 7, Part 3, 1959, p. 551.

26. J. K. Quigley, "Transnational States Responsibility for Violation of International Law", *Australian Journal of International Law*, vol. 226, 2006, pp. 89-90.

27. A. Chayes, T. Ehrlich, A. Lowenfel, *International Legal Process*, 1986, p. 92.

سرزمین‌های اشغالی استفاده شود، در اختیار اسرائیل قرار ندهند.^{۲۸}

مجمع عمومی در چندین قطعنامه از دولت‌ها می‌خواهد در شناسایی اقدامات ناقض حقوق بین‌الملل اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی خودداری نند. از جمله در قطعنامه شماره ۳۵/۱۱۰ مورخ دسامبر ۱۹۸۰ که با رأی بالایی هم تصویب شد، از همه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و سایر مؤسسات می‌خواهد که از شناسایی یا همکاری یا کمک به هر نحو در ارتباط با هرگونه اقدامات اسرائیل در خصوص بهره‌برداری منابع سرزمین‌های اشغالی یا ایجاد هرگونه تغییرات در ترکیب جمعیتی، ویژگی جغرافیایی یا ساختار نهادین سرزمین‌های مزبور خودداری نمایند.^{۲۹}

مجمع در قطعنامه‌ای دیگر در سال ۱۹۸۲، از دولت‌های تأمین‌کننده و کمک‌کننده به اسرائیل خواست که سیاست تأمین آن کشور با کمک‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی را کنار گذارند و از این طریق مانع از ادامه تجاوز، اشغال و بی‌توجهی این کشور به تعهداتش طبق منشور و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد شوند.^{۳۰}

مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر ۱۹۸۲ ضمن فراخواندن دولت‌ها به اجتناب از تأمین تسلیحات و سایر کمک‌های نظامی برای گواتمالا، تا زمانی که نقض جدی حقوق بشر در آن کشور ادامه دارد، به مفهوم معاونت در نقض حقوق بین‌الملل استناد کرد.^{۳۱}

مجمع عمومی بارها به دولت‌ها در خصوص ارائه کمک‌های مادی به دولت دیگر برای ارتکاب نقض‌های جدی حقوق بشر تذکر داده است. در این خصوص، مجمع عمومی از دولت‌های عضو خواسته است که از ارائه سلاح و دیگر کمک‌های نظامی به کشورهایی که از ناقضان جدی حقوق بشر هستند، خودداری کنند.^{۳۲}

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۸۴، دولت انگلیس را به کمک به نقض قواعد حقوقی جنگ توسط دولت عراق، متهم نمود. در این اعتراض، دولت انگلیس به تأمین سلاح‌های شیمیایی استعمال‌شده توسط عراق علیه ایران متهم شده بود. مبنای دیگر اعتراض ایران آن بود که این کمک‌ها اعمال تجاوزکارانه عراق را تسهیل کرده است.^{۳۳} دولت انگلیس، هر دوی این ادعاها را که او دارای تسلیحات شیمیایی بوده و اینکه آن‌ها را در اختیار دولت عراق قرار داده است، رد کرد.^{۳۴}

در پی انتشار گزارش گروه تحقیق سازمان ملل متحد در تأیید استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی

28. Y.B.U.N, 1980, p. 427.

29. Y.B.U.N, 1998, p. 436.

30. GARes. 37-7/4, 25 April 1982, in Y.B.U.N. 1982, p. 413.

31. GARes. 37/185(XVII) in Y.B.U.N. 1982, p.1127.

32. Report of The Economic and Social, Report of Third Committee of the General Assembly, Draft Resolution XVII, 14 December 1982, A/37/145, p. 50.

33. See New York Times, 6 March 1984, P. A1, Col. 1.

34. See New York Times, 6 March 1984, p. A3, Col. 1.

در جنگ ایران و عراق، ایالات متحده آمریکا و چندین دولت اروپایی، فروش مواد شیمیایی قابل استفاده در ساخت سلاح‌های شیمیایی را به عراق متوقف نمودند. در سال ۱۹۹۸ ادعای مشابهی علیه سودان مطرح شد مبنی بر اینکه این کشور به عراق در ساخت سلاح‌های شیمیایی کمک کرده زیرا یک سری تأسیسات و کارخانجات را در اختیار مهندسان عراقی قرار داده بود تا مراحل تولید گاز اعصاب را در آنجا انجام دهند. البته نماینده عراق در سازمان ملل این ادعا را رد کرد.^{۳۵}

شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۶۲۰ مورخ اوت ۱۹۸۸، ضمن محکوم کردن استعمال سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق، از تمامی دولت‌ها می‌خواهد که همچنین بر صدور محصولات شیمیایی که می‌تواند جهت تولید سلاح شیمیایی در عراق به کار گرفته شود، خصوصاً به طرفین یک مخاصمه در زمانی که استفاده آن‌ها از سلاح‌های مزبور در مغایرت با تعهدات بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته یا شواهد متقنی دال بر این امر در دست باشد، نظارت شدیدی اعمال نمایند.^{۳۶} به‌هرحال موارد بالا نشانگر اعتقاد دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی به تعهد هر دولت در خصوص عدم کمک به نقض حقوق بین‌الملل توسط دولت‌های دیگر است.

۵-۱. رویه قضایی بین‌المللی

قاعده مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت به نقض حقوق بین‌المللی در رویه محاکم بین‌المللی نیز پذیرفته شده است: از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی راجع به قضیه نامیبیا در سال ۱۹۷۱، رأی خود را در خصوص ملزم بودن دولت‌ها به خودداری از ورود به مبادلات متضمن شناسایی اشغال نامیبیا با آفریقای جنوبی، علاوه بر تعهدات ناشی از ماده ۲۵ منشور ملل متحد، بر «حقوق بین‌الملل عمومی» مبتنی نمود. این اقدام دیوان متضمن این معنی است که دیوان معتقد است که علاوه بر اینکه دولت‌ها ملزم به خودداری از کمک به آفریقای جنوبی از طریق شناسایی اشغال نامیبیا هستند به‌موجب حقوق بین‌الملل عمومی نیز تعهدی بر عهده دارند که به‌موجب آن باید از اقدامی که به نقض حقوق بین‌الملل توسط دولت دیگر کمک می‌کند، اجتناب نمایند.^{۳۷}

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۶، ضمن بررسی برخی اعمال مورد ادعا که از سوی ایالات متحده آمریکا ارتکاب یافته بود، چنین نتیجه‌گیری کرد که ایالات متحده «متعهد بوده که افراد و گروه‌های درگیر در مخاصمه در نیکاراگوئه را تشویق و ترغیب به نقض ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نکند».^{۳۸} دیوان همچنین در این قضیه رأی داد

35. See New York Times, 26 August 1998, p. A8.

36. Y.B.U.N., 1988, p.190.

37. Namibia Case, 1971, pp. 53-58.

38. Nicaragua Case, *op. cit.*, para. 200.

که ایالات متحده از بابت برنامه‌ریزی، هدایت و کمکی که به مخالفان دولت نیکاراگوئه (کنترها) کرده، مسئول است.^{۳۹}

قضیه نیکاراگوئه از چند جهت در بحث مسئولیت ناشی از کمک، هدایت و کنترل اهمیت دارد؛ اول اینکه دیوان، ادعای مبنی بر مسئولیت فراملی کشور دیگر را پذیرفت تا اینکه مستقیماً و بدون بررسی آن را رد نکند. دوم اینکه دیوان، در این قضیه موضوع آسیب و ضرر غیرمستقیم از سوی کشور دیگر را مطرح نمود. به علاوه امکان مسئول بودن یک کشور به دلیل حمایت و کمک به کشور دیگر یا گروه‌های غیردولتی در نقض قوانین بین‌المللی (از جمله حقوق بشردوستانه) را به رسمیت شناخت.^{۴۰}

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی در سال ۲۰۰۴ نیز در ارتباط با تعهد سایر دولت‌ها با توجه به ماهیت عام الشمول تعهدات نقض شده اظهار داشت که دولت‌ها متعهدند وضعیت‌های غیرقانونی ناشی از ساخت دیوار در سرزمین‌های اشغالی و اطراف شرق بیت‌المقدس را به رسمیت نشناخته و از هرگونه همکاری و کمک در جهت تداوم وضعیت ناشی از چنین احداثی خودداری کنند.^{۴۱}

لازم به ذکر است دیوان بین‌المللی دادگستری همچنین در رأی فوریه ۲۰۰۷ در دعوی بوسنی و هرزگوین، به موضوع معاونت در ارتکاب جرم نسل‌کشی اشاره کرده است. دیوان در بخشی از رأی خود اعلام نمود که صربستان، توطئه‌ای جهت ارتکاب جنایت نسل‌کشی تدارک ندیده و مرتکبان این جنایت را نیز به ارتکاب آن تحریک و تشویق نکرده است و بنابراین به جهت معاونت در ارتکاب نسل‌کشی مسئولیت ندارد.^{۴۲}

شعبه تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق هم در قضیه تادیچ در سال ۱۹۹۹ پس از بررسی میزان کنترل دولت یوگسلاوی بر صرب‌های بوسنی و هرزگوین، اعلام نمود همین که این دولت با هماهنگ‌سازی و کمک در برنامه‌ریزی کل فعالیت‌های نظامی گروه، دارای کنترل کلی بر آن بوده است کفایت بر انتساب اعمال متخلفانه و ناقض قانون گروه به دولت مزبور و (ایجاد مسئولیت وی) می‌کند.^{۴۳}

بدین ترتیب آرای محاکم بین‌المللی نیز بر وجود قاعده‌ای صحه گذاشته‌اند که بر اساس آن، دولت‌ها ملزم به اجتناب از کمک، مساعدت، تشویق و ترغیب و شناسایی اعمال متخلفانه و

39. *Ibid*, para. 86.

40. Gibney and others, *op. cit.*, p. 284.

41. I.C.J Reports, 2004, paras.159, 163.

42. Gibney, 2007-8, pp. 141-150.

43. Tadic Case, para. 131.

ناقض قوانین بین‌المللی ارتكابی از سوی دولت‌های دیگر و نیز گروه‌های خصوصی مستقر در قلمرو آن‌ها به‌ویژه در مخاصمات داخلی هستند.

۲. چگونگی تحقق مسئولیت دولت ثالث در مخاصمات داخلی

۲-۱. کمک و مساعدت

مسئولیت دولت ثالث به دلیل نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جریان مخاصمات داخلی می‌تواند از طریق کمک و مساعدت به دولت حاکم یا از طریق کمک به گروه‌های شورشی و گروه‌های مسلح مخالف دولت رخ بدهد؛

یکی از مهم‌ترین مصادیق مسئولیت دولت‌های ثالث در جریان مخاصمات مسلحانه داخلی، اعطای کمک‌های مالی، تسلیحاتی و نظامی یا به‌طور کلی، کمک‌های مادی است که دولت حاکم یا گروه‌های شورشی دریافت‌کننده، آن‌ها را در جهت نقض تعهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به کار می‌گیرند.

وقتی دولتی کمک‌های مادی را در اختیار دولتی دیگر قرار می‌دهد که از این کمک‌ها برای ارتکاب نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه استفاده می‌کند موجب مسئولیت بین‌المللی خویش می‌شود. برای مثال در این خصوص مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بارها از دولت‌های عضو خواسته است که از ارائه سلاح و دیگر کمک‌های نظامی به کشورهایی که از ناقضان جدی حقوق بشر هستند خودداری کنند.^{۴۴}

همان‌طور که گفته شد دولت‌ها بر مبنای تعهد مندرج در ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو که هم‌اکنون به‌صورت یک قاعده عرفی بین‌المللی شناخته شده است، متعهدند که از هرگونه کمک و تشویق به نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط دولت و گروه‌های خصوصی خودداری کنند. در این خصوص، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه ضمن اشاره به تعهد دولت‌ها بر اساس ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو اعلام نمود که ایالات متحده متعهد بوده که افراد و گروه‌های درگیر در مخاصمه نیکاراگوئه را تشویق به نقض مفاد ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو نکند.^{۴۵}

به همان نحو، ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها مقرر می‌دارد؛ دولتی که به دولت دیگر در جهت ارتکاب اعمال متخلفانه بین‌المللی کمک و یاری می‌رساند، مسئولیت بین‌المللی در قبال این اقدام بر

44. Tadic Case, para. 131.

45. Nicaragua Case, *op. cit.*, para. 255.

عهده دارد^{۴۶} با این حال دولت‌ها در خیلی موارد، تعهد خودداری از کمک و مساعدت را نادیده می‌گیرند؛ دولت‌های ثالث با تجارت اسلحه و رساندن مساعدت‌های مالی به دولت‌های حاکم ناقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، به مانند آن‌ها در قدرت کمک نموده‌اند. دولت‌های چین، ایالات متحده آمریکا و روسیه بیشتر در مظان این اتهام هستند. برای مثال چین به سبب کمک به دولت سودان و نیز تجارت با سایر کشورهایی که مسئول نقض جدی هستند مورد اتهام واقع شده است. ایالات متحده آمریکا به بعضی کشورهای آمریکای لاتین مثل پرو، شیلی، آرژانتین، گواتمالا، نیکاراگوئه و السالوادار کمک کرده که مرتکب نقض‌های جدی می‌شوند.^{۴۷} کمک و یاری تنها محدود به تهیه وسایل مادی نیست بلکه همچنین می‌تواند ماهیت حقوقی یا سیاسی داشته باشد همانند شناسایی یک وضعیت غیرقانونی و کمک به حفظ وضعیت نقض‌های موجود.

نکته مهم در بحث کمک و مساعدت به طرف‌های درگیر در یک مخاصمه مسلحانه داخلی این است که بیشتر اوقات این حمایت‌ها و کمک به صورت غیرعلنی یا در ظاهری قانونی انجام می‌گیرد. برای مثال به صورت منابع پولی خیریه، ساخت‌وساز شرکت‌های ساختمانی، انتقال بین‌بانکی پول، انتقال طلا، پول‌های زیرزمینی مانند حواله، کارت‌های اعتباری و غیره بوده که اثبات آن بسیار مشکل است.^{۴۸}

ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها برای تحقق مسئولیت دولت کمک‌کننده، شروطی را مقرر نموده است، اول اینکه دولت کمک‌کننده از شرایطی که موجب فعل متخلفانه بین‌المللی دولت می‌شود آگاهی داشته باشد. بنابراین اگر دولتی که کمک یا مساعدت‌های مالی یا مادی در اختیار دولت دیگر قرار می‌دهد، نداند که از آن کمک‌ها و مساعدت‌ها برای ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی استفاده خواهد شد، هیچ‌گونه مسئولیتی از بابت این کمک‌ها نخواهد داشت.^{۴۹} به عبارت دیگر، دولت کمک یا مساعدت‌کننده مسئول نیست مگر آنکه قصد ارگان دولتی مربوطه آن بوده که با آن کمک یا مساعدت، انجام فعل متخلفانه را تسهیل کرده و رفتار متخلفانه بین‌المللی در اصل توسط دولت دریافت‌کننده کمک یا مساعدت ارتکاب یافته باشد.^{۵۰}

۴۶. اگرچه ماده ۱۶ تنها در خصوص کمک و مساعدت یک دولت خارجی به دولت دیگر در ارتکاب یک فعل متخلفانه بین‌المللی صحبت می‌کند در حقیقت بر اساس وحدت ملاک موجود در ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها، می‌توان در مواقع کمک دولت خارجی به گروه‌های خصوصی و گروه‌های مسلح و شورش نیز به آن اشاره کرد.

۴۷. A. Bird, *op. cit.*, p. 889.

۴۸. آذری، بهزاد، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال خشونت‌آمیز اشخاص خصوصی در چارچوب تروریسم»، ص

۴ قابل دسترس در سایت www.Internationallaw.ir

۴۹. The Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries, Y. I. L. C, 2001, vol. II, part Two, Commentary Art. 16. para. 3-4 available at: <http://untreaty.un.org/ilc/dtsearch/>

۵۰. *Ibid*

عملکرد دولت‌ها نیز این امر را تأیید می‌کند که صورت ظاهر عمل دولت‌ها هر چه باشد، حقوق بین‌الملل فقط کمک یا مساعدت آگاهانه به یک دولت برای ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی را دارای مسئولیت می‌داند. برای مثال، وزیر امور مستعمرات بریتانیا در سال ۱۹۵۸ در پارلمان این کشور در پاسخ به سؤال یکی از اعضای پارلمان در مورد اقدام برخی دولت‌ها در زمینه ارسال اسلحه و تجهیزات نظامی برای یمن، که بعداً برای حمله به عدن (تحت‌الحمايه بریتانیا) مورد استفاده قرار گرفت، اظهار داشت که ارسال اسلحه برای یک دولت، فی‌نفسه قانونی است و در این مورد خاص، فرستنده احتمالاً در زمان ارسال اسلحه از این امر اطلاع نداشته است که دریافت‌کننده بعداً در چه مواردی از آن‌ها استفاده خواهد کرد.^{۵۱}

به نظر می‌رسد یکی از مواردی که دولت کمک‌کننده نمی‌تواند علم و آگاهی خود را از شرایطی که موجب ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی یا نقض قوانین بین‌المللی می‌شود انکار کند، ارائه کمک مالی و ارسال سلاح و تجهیزات نظامی به طرف‌های درگیر یک مخاصمه مسلحانه داخلی است زیرا در شرایطی که یک مخاصمه داخلی در جریان است و جامعه بین‌المللی از آن اطلاع دارد، دیگر دولت کمک‌کننده نمی‌تواند به بی‌اطلاعی و عدم آگاهی خود از وقوع چنین درگیری و ارتکاب نقض‌ها استناد بکند. بدیهی است در وضعیت یک جنگ داخلی، کمک دولت‌های ثالث، نه‌تنها ارتکاب نقض‌ها را تسهیل می‌کند بلکه به تداوم جنگ نیز می‌انجامد. به‌رحال، بدون وجود قصد دولت اعطاکننده کمک، دائر بر استفاده دولت یا گروه دریافت‌کننده کمک در جهت اهداف نامشروع و نقض حقوق بین‌الملل یا بدون وجود اطلاع دولت مزبور از امکان احتمال چنین استفاده‌ای، کمک یا مساعدت به‌تنهایی برای اثبات مسئولیت بین‌المللی دولت کمک‌کننده کافی نیست. در واقع، کمک یا مساعدت لزوماً باید برای استفاده در جهت ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی داده شده باشد تا مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت محقق شود.

شرط دوم مندرج در ماده ۱۶ این است که فعل متخلفانه اگر توسط خود دولت کمک‌کننده هم ارتکاب می‌یافت، فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد. شرط مزبور، ماده ۱۶ را به کمک یا مساعدت در نقض تعهداتی محدود می‌کند که دولت مساعدت‌کننده، خود نیز ملتزم به آن‌هاست. ممکن نیست دولت کمک‌کننده آگاهانه اسباب نقض تعهدی را توسط دولت دیگر فراهم کند که هر دو به آن ملتزم هستند.^{۵۲} از این‌رو در مورد مسئولیت دولت مساعدت‌کننده ضروری است که رفتار و فعل مورد بحث، در صورت قابل‌انتساب بودن به آن دولت، نقض تعهدات بین‌المللی آن دولت محسوب شود.

۵۱. مستقیمی، بهرام و مسعود طارم‌سری، *مسئولیت بین‌المللی دولت باتوجه به تجاوز عراق به ایران*، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۱۸.

۵۲. ابراهیم‌گل، همان، ص ۱۱۵.

در چارچوب ماده ۱۶، دولتی که به دولتی دیگر به‌منظور ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی کمک و مساعدت می‌کند، تنها به میزان همان کمک یا مساعدت مسئول خواهد بود.^{۵۳}

۲-۲. هدایت و کنترل

در بحث کنترل و هدایت، دو ماده قابل استناد است؛ ماده ۸ و ۱۷ طرح مسئولیت دولت‌ها. ماده ۱۷ به مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از اعمال «هدایت» و «کنترل» بر ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر اشاره دارد که اکنون بیشتر از اهمیت تاریخی برخوردار است. این نوع مسئولیت، بیشتر در روابط وابستگی بین‌المللی همچون تحت‌الحمایگی و نیز در مورد اشغال نظامی مطرح بوده است. بنابراین از پرداختن به آن در این مقاله خودداری می‌شود و بیشتر به بررسی ماده ۸ طرح مسئولیت دولت‌ها که در موارد متعددی جزء مسائل مورد بحث در محافل و دیوان‌های بین‌المللی بوده و مورد تفاسیر متفاوتی هم قرار گرفته است، پرداخته می‌شود. به‌موجب ماده ۸، رفتار شخص یا گروهی از اشخاص، در صورتی که در انجام آن رفتار در واقع به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت عمل کنند به‌موجب حقوق بین‌الملل، فعل دولت تلقی می‌شود. لازم به ذکر است که رفتار اشخاص یا نهادهای خصوصی اصولاً قابل انتساب به دولت نیست. در عین حال در شرایطی ممکن است چنان رفتاری به دلیل وجود رابطه موضوعی میان شخص یا نهاد مرتکب رفتار و آن دولت، به دولت مزبور منتسب شود. به‌عنوان مثال می‌توان به اشخاص یا گروه‌هایی از اشخاص خصوصی اشاره کرد که اگرچه به‌طور خاص توسط یک دولت استخدام نشده و بخشی از نیروهای مسلح و ارتش آن را تشکیل نمی‌دهند، اما به‌عنوان نیروی کمکی به‌کار گرفته شده یا در خارج از قلمرو دولت مزبور بوده و به آن‌ها دستور داده می‌شود که مأموریت خاصی را انجام بدهند یا اینکه دولت نامبرده، عملیات این گروه خاص را کنترل یا هدایت می‌کند.^{۵۴}

در چارچوب ماده ۸ برای احراز مسئولیت بین‌المللی یک دولت، باید مسئله انتساب اعمال ناقض تعهدات بین‌المللی (اعمال متخلفانه) به دولت ثالث از بابت میزان هدایت و کنترلی که صورت پذیرفته، بررسی شود، که در حقیقت پیش‌شرط مقوله مسئولیت بین‌المللی دولت محسوب می‌شود. بنابراین در خصوص میزان هدایت و کنترل اعمال‌شده این پرسش مطرح می‌شود که بر اساس چه معیاری می‌توان وجود مسئولیت را برای دولت ثالث اثبات کرد؟ به‌عبارت‌دیگر، چه نوع کنترلی می‌تواند مسئولیت دولت را به‌دنبال داشته باشد؟

۵۳. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص ن.ک.:

The Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries, Y. I. L. C. 2001, vol. II, part two, available at: <http://untreaty.un.org/ilc/dtsearch/>

54. U.N. Y.I.L.C. 2001, *op. cit.*, Commentary Art. 8, paras. 1, 2.

در پاسخ به این سؤال، محاکم قضایی بین‌المللی، حقوق‌دانان و نیز کمیسیون حقوق بین‌الملل سعی کرده‌اند عوامل مختلفی را در این خصوص شناسایی کنند. آن‌ها معیارهای متفاوتی را برای انتساب اعمال گروه‌ها و اشخاص خصوصی به دولت ارائه نموده‌اند به گونه‌ای که موضوع اعمال کنترل به‌ویژه در آرای قضایی با نوعی ابهام و حتی تعارض مواجه شده است و عملاً معیارهای مختلف در این رابطه به چشم می‌خورد.

از این رو، تلاش خواهد شد با توجه به برخی از مهم‌ترین آرای قضایی و دیدگاه کمیسیون حقوق بین‌الملل به تبیین و تحلیل موضوع پرداخته و به سؤالات مطرح در خصوص مسئولیت ناشی از اعمال هدایت و کنترل گروه‌های شورشی یا گروه‌های مسلح مخالف در جریان مخاصمات مسلحانه داخلی پاسخ داده شود.

۲-۱-۲. آرای قضایی

در این قسمت آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در و علیه نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۶ و قضیه بوسنی و هرزگوین در سال ۲۰۰۷ و نیز رأی دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه

در کشور نیکاراگوئه به دنبال جنگ و درگیری‌های خونین بین جبهه آزادی بخش ملی به رهبری ساندرنیست‌ها^{۵۵} از یک سو و نیروهای دولتی از سوی دیگر، سرانجام رئیس‌جمهور این کشور به نام سوموزا^{۵۶} از مقام ریاست جمهوری استعفا داد و کشور نیکاراگوئه را به قصد ایالات متحده آمریکا ترک کرد. بدین گونه انقلاب مردم نیکاراگوئه به پیروزی رسید و یک حکومت ملی به رهبری جبهه آزادی‌بخش ملی ساندرنیست‌ها تشکیل شد.^{۵۷}

پس از پیروزی انقلاب و تشکیل دولت جدید، گروهی از طرفداران رژیم سابق سوموزا و به‌ویژه اعضای گارد ملی سابق، جبهه نظامی واحدی برای مبارزه مسلحانه و واژگون نمودن رژیم جدید سیاسی آن کشور تشکیل دادند و با کمک مالی و نظامی بسیار گسترده و مستمر ایالات متحده آمریکا، جنگی را در مناطق مرزی علیه دولت جدید آغاز کردند. این حملات موجب خسارت‌های جانی و مالی فراوانی به کشور نیکاراگوئه شد و حتی دولت نیکاراگوئه ادعا نمود که گروه‌های

55. Sundinistas

56. Samuza

۵۷. شفیعی، محمد، «بررسی مشروعیت دخالت‌های نظامی بشردوستانه از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۲۰، ۱۳۷۵، ص ۴۶۰.

شورش‌های که عملاً تحت کنترل دولت آمریکا هستند، به کشتار مردم بی‌گناه و غیرنظامی، شکنجه، آدم‌ربایی، و حتی تجاوز به‌عنف پرداخته‌اند.^{۵۸}

دولت نیکاراگوئه در نهم آوریل ۱۹۸۴ به‌منظور اثبات و اعلام مسئولیت بین‌المللی دولت آمریکا نسبت به عملیات نظامی که با دخالت و مساعدت دولت مزبور علیه حاکمیت ارضی و سیاسی دولت نیکاراگوئه انجام می‌گرفت، دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری علیه دولت آمریکا مطرح نمود. در این قضیه، دولت نیکاراگوئه در دادخواست خود به دیوان مدعی شده بود که ایالات متحده یک گروه مسلح مزدور با عنوان *کنترها* را در نیکاراگوئه تشکیل داده و برای مبارزه با دولت انقلابی نیکاراگوئه آن‌ها را به‌صورت گسترده از لحاظ مالی تأمین کرده، آموزش داده، مسلح کرده و عملیات جنگی را سازماندهی و تاکتیک‌های آن را هدایت نموده است. دولت نیکاراگوئه در واقع مدعی شده بود که گروه *کنترها* به‌عنوان ارگان ایالات متحده با حکومت نیکاراگوئه وارد جنگ شده است و بنابراین اعمال ارتكابی این نیروهای مزدور، متوجه ایالات متحده آمریکاست.^{۵۹}

دیوان پس از بحث و بررسی در خصوص ادعای نیکاراگوئه مبنی بر اینکه ایالات متحده ارتشی مزدور به نام «کنترها» را ایجاد و سازماندهی کرده است چنین نظر داد که دیوان بر پایه اطلاعات موجود و در دسترس، نمی‌تواند قانع شود که کشور خوانده، نیروی *کنتر* را در نیکاراگوئه ایجاد کرده است. ولی مسلم می‌داند که ایالات متحده، *اف‌دی‌ان*، یکی از عناصر این نیرو را به‌طور عمده تأمین مالی کرده، آموزش داده، تجهیز، مسلح و سازماندهی نموده است. دیوان همچنین در خصوص ادعای نیکاراگوئه که عنوان کرده بود *کنترها* به لحاظ حقوقی به‌منزله ارگان دولت آمریکا تلقی می‌شوند، اظهار می‌دارد ادله‌ای که در اختیار دارد در اثبات وابستگی کامل *کنترها* به کمک ایالات متحده کفایت نمی‌کند.^{۶۰}

از آنجاکه گروه *کنتر* از ارگان رسمی ایالات متحده نبود، دیوان می‌بایست معیاری را برای انتساب اعمال این گروه به دولت آمریکا به مرحله اجرا می‌گذاشت که در آن به مسئله کنترل متمرکز می‌شد.^{۶۱} اگرچه غالباً به معیار «کنترل مؤثر» از سوی دیوان در این قضیه اشاره می‌شود، دیوان در اصل، دو معیار را در این قضیه تعیین کرد.^{۶۲} توضیح اینکه دیوان با تمایز میان دو درجه از کنترل و

58. Nicaragua Case, *op. cit.*, para. 21.

59. *Ibid.*, paras. 75- 86.

60. FDN

۶۱. جهت بررسی مفصل‌تر ن.ک: پاراگراف‌های ۱۲۵-۸۵ رأی.

۶۲. رستمی، زینب، *مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در عملیات حفظ صلح*، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۹.

63. A. Cassese, The Nicaragua and Tadic Case, Revisited in the Light of the ICJ Judgment of Genocide in Bosnia, EJIL, 2007, vol. 18, No. 4, p. 673.

وابستگی - کنترل کامل مبتنی بر وابستگی تام و کنترل مؤثر مبتنی بر وابستگی نسبی - دو معیار کنترل را به دست می‌دهد که به ترتیب معیار «کنترل کامل» و «کنترل مؤثر» نامیده می‌شود.^{۶۴} اولین معیار یعنی معیار کنترل کامل در پاراگراف‌های ۱۰۹ و ۱۱۰ رأی درج شده است، با این توضیح که به‌منظور اینکه اعمال رکن غیردولتی، دیگر بازیگران یا گروه‌های شبه‌نظامی به دولت قابل انتساب باشد، رابطه بین دولت و هر کدام از این گروه‌ها باید بر اساس وابستگی از یک طرف و کنترل از طرف دیگر مشخص شود. به نظر دیوان، اساساً معیار کنترل کامل، نیازمند این است که گروه وابسته، اختیار واقعی و مجزایی از دولت کنترل‌کننده نداشته باشد.^{۶۵} به عبارت دیگر، گروه وابسته، صرفاً «ابزار» یا «کارگزاری» است که دولت کنترل‌کننده از طریق آن عمل می‌کند.^{۶۶} وابستگی کامل به دولت کنترل‌کننده زمانی ثابت می‌شود که صورت‌های متعدد مساعدت (مساعدت مالی، حمایت لجستیکی و مساعدت‌های اطلاعاتی) ارائه‌شده از سوی دولت کنترل‌کننده ضروری باشد.^{۶۷} همچنین وابستگی کامل می‌باید به «همه حوزه‌های» فعالیت گروه تحت حمایت و وابسته تعمیم یابد.^{۶۸} از این رو لازم است ثابت شود که «همه یا بخش زیادی از اقدامات» این گروه، حمایتی چند وجهی را از دولت کنترل‌کننده یا دولت تشکیل‌دهنده دریافت کرده است.^{۶۹} نوع و درجه کنترل باید به‌طور مساوی همانند آن کنترلی باشد که دولت بر ارگان‌ها، نیروها یا سرزمین خود اعمال می‌کند و یک دولت، مسئول هر نوع عملی است که توسط چنین گروهی انجام می‌گیرد، حتی اگر عمل خاص خارج از حدود صلاحیت و برخلاف دستورات صریح صورت گیرد.^{۷۰} گروه غیردولتی تحت کنترل می‌تواند به‌طور غیررسمی یک ارگان دولتی شود. تنها موردی که این گروه یا فرد را از یک رکن دولتی متمایز می‌سازد در ارتباط با تعیین آثار حقوقی آن توسط حقوق داخلی است.^{۷۱}

اثبات «وابستگی کامل» گروه وابسته و تحت حمایت به دولت‌های حامی و کنترل‌کننده از یک سو و تضمین حد بالایی از کنترل دولت خارجی از سوی دیگر در بسیاری موارد اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار خواهد بود.^{۷۲} به همین دلیل است که دیوان معمولاً بر معیار دیگری، یعنی

64. Talmon, The Various Control Tests in the Law of State Responsibility and the Responsibility of Outside Powers for Acts of Secessionist, *International and Comparative Law Quarterly*, vol. 58, 2009, p. 5.

65. Nicaragua Case, *op. cit.*, para. 114.

۶۶. رستمی، همان، ص ۲۱۱.

67. Talmon, *op. cit.*, p. 6.

68. Nicaragua Case, *op. cit.*, para.109.

69. *Ibid.*, para.111.

70. *Ibid.*, para.116.

71. Talmon, *op. cit.*, p.8.

72. Nicaragua Case, *op. cit.*, para.111.

معیار «کنترل مؤثر» متمرکز می‌شود. البته دیوان تنها زمانی به معیار «کنترل مؤثر» توسل می‌جوید که به این نتیجه رسیده باشد که ملزومات معیار «کنترل کامل»، جهت تعیین رابطه کارگزاری و در نتیجه انتساب عمل متخلفانه به دولت خارجی ثابت نشده است.^{۷۳}

معیار کنترل مؤثر، مبتنی بر وابستگی نسبی است. این وابستگی می‌تواند از ارائه مساعدت‌های مالی، حمایت‌های نظامی، لجستیکی، ارائه خدمات اطلاعاتی و انتصاب و آموزش از سوی دولت کنترل‌کننده استنتاج شود.^{۷۴} وابستگی نسبی نیز امکان کنترل را به وجود می‌آورد، هرچند درجه محدودتری از کنترل را نسبت به وضعیت وابستگی کامل به دست می‌دهد.^{۷۵} اما برخلاف وابستگی کامل، وابستگی نسبی به دیوان اجازه نمی‌دهد که گروه تحت کنترل و حمایت‌شونده را ارگان دوفاکتوی دولت کنترل‌کننده قلمداد کند.

دیوان در خصوص ادعای نیکاراگوئه مبنی بر انتساب کلیه اعمال ارتكابی توسط گروه کنترل به دولت ایالات متحده اعلام می‌کند، کنترل کلی برای انتساب تمام اعمال کنترل‌ها به ایالات متحده کافی نیست. این کنترل باید به صورت کامل باشد و درجه بالایی از وابستگی برای انتساب آن اعمال به دولت مزبور وجود داشته باشد؛ به این معنی که دولت، نسبت به اعمال خاصی که در جریان آن، نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه صورت گرفته است، «کنترل مؤثر» داشته باشد.^{۷۶} بنابراین دیوان بین‌المللی دادگستری برای انتساب مسئولیت ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به آمریکا معیار «کنترل مؤثر» را برگزید. هدف دیوان از انتخاب این معیار، احراز این نکته بود که آمریکا، اعمال ناقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی را، خود مرتکب شده یا امر ارتکاب آن‌ها بوده است.

به‌رحال باتوجه به آنچه گفته شد دیوان برای انتساب نقض‌های ارتكابی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توسط کنترل‌ها به ایالات متحده آمریکا تحقق دو شرط را لازم دانست: اول آنکه طرف اختلاف، «کنترل مؤثر» گروه نظامی یا شبه‌نظامی و شورشیان را بر عهده داشته باشد؛ دوم آنکه این کنترل باید در خصوص عملیات خاصی که در جریان آن، نقض‌های حقوق بشردوستانه صورت پذیرفته نیز اعمال شده باشد.

بنابراین دیوان بین‌المللی دادگستری در این قضیه در نهایت با اعمال ضابطه و معیار «کنترل مؤثر» در مورد اعمال متخلفانه گروه کنترل‌ها اعمال این گروه را قابل انتساب به دولت آمریکا ندانست. دیوان از اعمال معیار «کنترل مؤثر» در قضیه نیکاراگوئه دو هدف را دنبال می‌کرد:

۷۳. رستمی، همان، ۲۱۳.

74. Nicaragua Case, para. 112, and Bosnian Genocide Case, 2007, paras. 241, 388, 394.

75. Talmon, *op. cit.*, p. 8.

76. Nicaragua Case, *op. cit.*, para. 115.

الف) صدور دستورالعمل‌ها به کنترل/ها توسط ایالات متحده در ارتباط با اعمال خاص (از جمله کشتن غیرنظامیان و...) به معنی دستور به انجام آن توسط ایالات متحده بوده است.

ب) هر کدام از اعمال خاص کنترل/ها به وسیله ایالات متحده صورت گرفته باشد. یعنی به طور مؤثر شورشیان را به انجام این عملیات خاص مجبور نمایند.^{۷۷}

دیوان این امر را در این قضیه محرز ندانست زیرا به نظر دیوان، نیروهای کنترل/ها می‌توانستند بدون کنترل ایالات متحده نیز مرتکب چنین اقدامی شوند. در نتیجه اقدامات ایالات متحده به معنای اعمال کنترل مؤثر عملیات کنترل/ها توسط ایالات متحده نبوده است بلکه برای احراز مسئولیت ایالات متحده، می‌بایست این کشور کنترل مؤثری بر عملیات منجر به نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه اعمال می‌کرد.^{۷۸}

چنان که ملاحظه شد دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه، دو معیار را تعیین کرد: اولین معیار دیوان یعنی کنترل کامل، یک معیار کلی است و شامل کنترل یک دولت بر تمام کارکردهای یک گروه است. معیار دوم یعنی کنترل مؤثر، به کنترل دولت نسبت به اعمال خاص در جریان یک عملیات خاص که در طول آن نقض‌هایی صورت گرفته است مربوط می‌شود. معیار دوم، تنها زمانی اعمال می‌شود که شرایط مربوط به معیار اول وجود نداشته باشد.

بدون شک، هر دو معیار دارای جنبه و بار اثباتی بالایی است چرا که در سطح بین‌المللی تهیه مدارک و شواهد محکمه‌پسند برای اثبات کنترل کامل یا کنترل مؤثر یک دولت خارجی بر گروه‌های شورشی یا گروه‌های نظامی و شبه‌نظامی طرف یک مخاصمه مسلحانه داخلی، امری بسیار دشوار است. بنابراین همواره این امکان وجود دارد که دولت‌های ثالث با هدایت و کنترل کلی یک گروه شورشی یا حتی گروه‌های تروریستی به اهداف نامشروع خود دست یافته و در عین حال از مسئولیت بین‌المللی بگریزند.

در واقع دولت‌ها زمانی که به‌جای عمل از طریق مأموران و مقامات رسمی خود، برای انجام اعمال نامشروع در کشور دیگر از اشخاص و گروه‌های خصوصی بهره می‌برند، نباید بتوانند از مسئولیت بین‌المللی خود از این بابت بگریزند. اگر کشورها این‌گونه رفتار کنند باید پاسخگوی اعمال و اقدامات اشخاص مذکور باشند که تحت فرمان آن‌ها این اقدامات را انجام داده‌اند حتی اگر این افراد و گروه‌ها از حدود اختیارات خود تجاوز کرده یا دستورهای آن کشور را نقض کرده باشند.^{۷۹}

77. Cassese, 2007, *op. cit.*, p. 658.

78. عسگری، پوریا، «مسئولیت بین‌المللی افراد و دولت‌ها در پرتو ضابطه کنترل»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۴۰، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳.

79. Cassese, *op. cit.*, p.654.

ب) رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بوسنی ۲۰۰۷

جنگ بوسنی و هرزگوین که از سال ۱۹۹۹ تا ۱۹۹۵ در پی فروپاشی یوگسلاوی سابق رخ داد، خونین‌ترین جنگ در بین تمام جنگ‌های یوگسلاوی به‌شمار می‌رود. تخمین زده می‌شود که بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر که بیشترشان غیرنظامی بودند در این جنگ کشته شدند. سرانجام این جنگ که جنایات زیادی در آن اتفاق افتاده بود، با مداخله آمریکا و اروپا و با قرارداد صلح دیتون پایان گرفت. در سال ۱۹۹۳ بوسنی و هرزگوین، دعوی خود علیه جمهوری یوگسلاوی سابق را براساس کنوانسیون ۱۹۴۸ نسل‌کشی اقامه کرد و استدلال نمود که تجاوز صربستان به بوسنی منجر به نسل‌کشی شده است. در نهایت باتوجه‌به تحولات در اوضاع داخلی بوسنی و یوگسلاوی، رأی نهایی دیوان در خصوص دادخواست بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو در نهایت علیه جمهوری صربستان صادر شد.

آنچه در رأی دیوان حائز اهمیت است، بازگشت دیوان به معیار «کنترل مؤثر» در خصوص انتساب اعمال ارگان‌های غیررسمی به دولت است. دیوان در این قضیه مسئله انتساب را باید از دو زاویه بررسی می‌کرد:

نخست اینکه دیوان باید مشخص نماید آیا اعمال ارتكابی در صربرنیتسا به‌وسیله ارکان دولت خوانده یعنی به‌وسیله اشخاص یا نهادهایی که رفتار آن‌ها لزوماً قابل انتساب به دولت خوانده است، ارتكاب یافته است؟ اگر چنین نیست، باید معین شود آیا اعمال موردنظر توسط اشخاصی انجام شده است که رکن دولت خوانده محسوب نمی‌شوند اما بر اساس دستور یا تحت هدایت و کنترل دولت خوانده عمل کرده‌اند؟^{۸۰}

در قضیه بوسنی، باز هم دیوان به ضابطه وابستگی از یک طرف و کنترل از سوی طرف دیگر توجه نمود. لذا در این قضیه، یک مسئله این بود که آیا اشخاص یا نهادهایی که مرتکب نسل‌کشی در صربرنیتسا شده‌اند، چنین وابستگی به جمهوری فدرال یوگسلاوی داشته‌اند و تنها در صورت وجود چنین شرایطی، این نهادها با ارکان دولت خوانده یکسان محسوب می‌شوند؟^{۸۱} در پاسخ به سؤال فوق، دیوان دریافت که ارتكاب نسل‌کشی در صربرنیتسا از این لحاظ که به‌وسیله ارکان یا اشخاص یا نهادهایی که کاملاً به آن وابسته‌اند انجام شده باشد، نمی‌تواند به دولت خوانده نسبت داده شود و بر این اساس مسئولیت بین‌المللی دولت خوانده قابل احراز نیست.^{۸۲} حال دیوان باید قضیه را از این زاویه بررسی کند که قتل‌عام صربرنیتسا توسط اشخاصی انجام شده که رکن دولت خوانده محسوب نمی‌شوند اما علی‌رغم آن، تحت دستور یا هدایت و

80. *Bosnian Genocide Case*, I.C.J reports, 2007, paras. 384, 396-397.

81. *Ibid*, para 393.

82. *Ibid*, para. 394.

کنترل آن عمل نموده‌اند. دیوان بین‌المللی دادگستری در این قضیه به رویه سابق خود اشاره نمود و اظهار داشت که این موضوع باید در پرتو رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی ایالات متحده در نیکاراگوئه بررسی شود و اعلام می‌کند که ویژگی‌های خاص نسل‌کشی، آن را متقاعد نمی‌کند که از معیار نیکاراگوئه (یعنی معیار کنترل مؤثر) فاصله بگیرد. جرم نسل‌کشی تا حدی که اعمال فیزیکی آن به وسیله ارکان یا اشخاصی به غیر از نمایندگان دولت بر اساس دستور، کنترل و هدایت یا تحت کنترل مؤثر آن انجام شود، به دولت خوانده قابل انتساب خواهد بود.^{۸۳}

دیوان همچنین بنابر نظر خواهان که به اعمال معیار انتساب مسئولیت در قضیه نیکاراگوئه (معیار کنترل مؤثر) در این خصوص اعتراض کرده بود، به رأی شعبه تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ اشاره نمود. این رأی با تکیه بر معیار کنترل کلی این نظر را اتخاذ نمود که اعمال ارتكابی به وسیله صرب‌های بوسنی می‌تواند منجر به مسئولیت بین‌المللی جمهوری صربسکا و ارتش آن جمهوری شود.^{۸۴} دیوان سپس اضافه می‌کند در این قضیه به دو دلیل متقاعد نشده تا نظر دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و معیار «کنترل کلی» اعمال شده توسط دیوان مزبور را تأیید کند؛

اول اینکه این معیار به وسیله دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در خصوص این موضوع است که آیا مخاصمه مسلحانه، بین‌المللی بوده است که مسئله‌ای متفاوت از مسئولیت بین‌المللی دولت است. دوم اینکه کاربرد این معیار (کنترل کلی) در هر قضیه، قلمرو مسئولیت دولت‌ها را گسترش خواهد داد.^{۸۵}

بنابراین دیوان بین‌المللی دادگستری، معیار کنترل کلی را برای احراز مسئولیت کافی نمی‌داند. در نهایت دیوان از یک سو به این نتیجه رسید که دولت صربستان چه از طریق ارکان خود و چه از طریق اشخاصی که در حقوق بین‌الملل، اقدامات آنان به این دولت قابل انتساب است، مرتکب نسل‌کشی نشده است. همچنین صربستان تباری جهت ارتكاب جنایت نسل‌کشی تدارک ندیده و مرتکبان این جنایت را نیز به ارتكاب آن تحریک نکرده است و بنابراین به جهت معاونت در ارتكاب نسل‌کشی نیز مسئولیت ندارد.^{۸۶}

چنان که ملاحظه شد، برای تصمیم‌گیری در این قضیه، دیوان همان معیار دشوار انتساب در قضیه نیکاراگوئه یعنی معیار «کنترل مؤثر» را اعمال نمود؛ معیاری که در عمل، احراز آن بسیار

83. *Ibid*, para. 401.

84. Tadic Case, *op. cit.*, para. 83-162.

85. Cassese, *op. cit.*, p.650.

86. Bosnian Genocide Case, *op. cit.*, p. 471.

دشوار است. به همین دلیل است که «شعبه تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و دیوان اروپایی حقوق بشر، تا حد زیادی، رویه دیوان بین‌المللی دادگستری را کنار گذاشتند و در عوض معیارهای کنترل متفاوتی را که مستلزم «درجه کمتری از کنترل» است اتخاذ کردند.^{۸۷}

ج) رأی شعبه تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ
سؤالی که در ارتباط با این قضیه مطرح شده بود این بود که آیا نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط نیروهای صرب در بوسنی، تحت کنترل یوگسلاوی و لذا قابل انتساب به آن دولت است یا خیر؟ شعبه نخستین دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی، در پاسخ به این سؤال، در رأی مورخ ۷ مه ۱۹۹۷ خود در پرونده تادیچ، با تبعیت از معیار «کنترل مؤثر» که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه به کار برده بود، اعلام کرد دلیل قانع‌کننده‌ای در دست نیست که نشان دهد جمهوری فدرال یوگسلاوی، عملیات نظامی صرب‌های بوسنی را به‌طور مؤثر کنترل یا هدایت می‌کرده است. در نتیجه نمی‌توان نیروهای صرب بوسنی را رکن اجرایی یا مأموران بالفعل یوگسلاوی به حساب آورد.^{۸۸}

این رأی با انتقاد شدیدی روبرو شد.^{۸۹} قاضی مک‌دونالد، رئیس این شعبه دادگاه هم در مخالفت با این رأی گفت کاملاً محرز است که نیروهای مسلح صرب بوسنی، مأموران دولت یوگسلاوی بوده‌اند و اصلاً نیازی نبود که دیوان، شرط کنترل مؤثر دولت یوگسلاوی را بر این نیروها مطرح کند.^{۹۰} رأی شعبه نخستین در شعبه تجدیدنظر به بحث گذاشته شد و در آنجا قضات با طرح «معیار کنترل کلی» بر استدلال شعبه نخستین (درمورد معیار کنترل مؤثر) خط بطلان کشیدند.^{۹۱}

شعبه تجدیدنظر در رأی خود، ابتدا بیان می‌دارد که نظام حقوقی موردنظر برای تعیین نوع مخاصمات مسلحانه، نظام حقوق بین‌المللی بشردوستانه است^{۹۲} و در ادامه تصریح می‌کند که مطابق ضوابط حقوق بین‌الملل بشردوستانه و به‌ویژه مفاد ماده ۴ کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ چنانچه مشخص شود گروه مسلحی که در داخل کشوری با دولت مرکزی (دولت مستقر و حاکم) در حال جنگ است به دولت دیگری «تعلق» دارد، باید گفت مخاصمه‌ای مسلحانه و بین‌المللی

۸۷. رستمی، زینب، همان، ص ۲۱۵.

۸۸. *Prosecutor v. Tadic*, Opinion and Judgment, Case no. It. 94.IT, Trial chamber, 7 may 1997, para. 605.

۸۹. See W, J. Fenrick, see The Development of the Law of Armed Conflict through the Jurisprudence of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, *Journal of Armed Conflict Law*, vol. 2, No, 3, 1998.

۹۰. *Prosecutor v. Tadic*, *op. cit.*, Separate and Dissenting Opinion of Judge McDonald Regarding the Applicability of Article 8 of the Statute.

۹۱. *Tadic Case*, *op. cit.*, para 104.

۹۲. *Ibid.* Para. 90.

در جریان است.^{۹۳}

از نظر دیوان، عبارت «تعلق به یک طرف خاصه»^{۹۴} تلویحاً موضوع کنترل را مطرح می‌سازد. این در حالی است که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مورد میزان و درجه کنترل دولت، معیاری به چشم نمی‌خورد و از این حیث باید به حقوق بین‌الملل عام و به‌ویژه قواعد مسئولیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل مراجعه شود.^{۹۵} دیوان سپس با اشاره به معیار «کنترل مؤثر» به کارگرفته شده توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه استدلال می‌کند که نمی‌توان از معیارهای دوگانه‌ای برای تعیین مسئولیت کیفری فرد در قالب مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و تعیین مسئولیت دولت‌ها در قالب حقوق مسئولیت بین‌المللی استفاده کرد.^{۹۶} دیوان بین‌الملل کیفری برای یوگسلاوی سابق در ادامه رأی خود، معیار کنترل مؤثر مطرح شده از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری را معیاری ناهماهنگ با منطق حقوق مسئولیت دولت‌ها قلمداد می‌نماید.^{۹۷} به اعتقاد دیوان، این معیار با برخی از آرا و رویه محاکم بین‌المللی هم در تضاد است. دیوان برای اثبات این نکته به چند تصمیم قضایی در سال‌های اخیر استناد می‌کند که معیار کنترل کلی را به کار بسته‌اند، از جمله رأی دیوان داورای ایران و آمریکا که در آن برای انتساب اعمال اعضای کمیته‌های انقلاب به دولت ایران، صدور دستورهای خاص به آنان لازم دانسته نشده و دیوان داورای، مسئولیت نسبت به اعمال آنان را بر اساس کنترل کلی این افراد توسط مقامات ایران احراز کرده است.^{۹۸}

همچنین دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه *لوئیدو* نیز معیار کنترل کلی را به کار گرفته است. در این قضیه، دیوان اعلام کرد:

«برخلاف آنچه خواهان و دولت قبرس اعلام داشته‌اند لازم نیست تعیین شود که ترکیه عملاً کنترل کامل و دقیق سیاست‌ها و اعمال مقامات جمهوری ترک‌نشین قبرس را در دست دارد بلکه از تعداد زیاد نیروهایی که در شمال قبرس مشغول انجام وظایف خود هستند مشخص می‌شود که ارتش این کشور، کنترل کلی نسبت به آن قسمت از جزیره را اعمال می‌کند و بر این اساس مسئولیت دولت ترکیه در قبال سیاست‌ها و اقدامات جمهوری ترک‌نشین قبرس محرز است.^{۹۹} دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی پس از اشاره به رویه قضایی، اعلام کرد: «برای

93. *Ibid.* Para. 92.

94. Belonging to a party to the conflict

95. *Ibid.*, paras. 95-98.

96. *Ibid.*, para. 104.

97. *Ibid.*, paras, 126- 123.

98. *Ibid.*, para. 127.

99. *Loizidou v. Turkey*, European Court of Human Rights, Judgment, 18 Dec. 1996, Para. 56.

به نقل از عبدالهی، محسن، *تروریسم، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*، شهر دانش، ۱۳۸۸، ص ۲۸۸.

انتساب اعمال یک گروه نظامی یا شبه نظامی به دولت، باید ثابت شود که این دولت، نه تنها با تجهیز و تأمین مالی گروه، بلکه همچنین از طریق هماهنگ‌سازی یا کمک در برنامه‌ریزی کلی فعالیت‌های نظامی، بر این گروه کنترل کلی دارد. تنها در این صورت می‌توان دولت را از نظر بین‌المللی مسئول اعمال متخلفانه این گروه دانست. با وجود این لازم نیست که علاوه بر این میزان کنترل، دولت موردنظر، دستورهایی را برای رئیس یا اعضای گروه جهت ارتکاب اعمال خاص مغایر حقوق بین‌الملل صادر کند.^{۱۰۰}

البته از نظر شعبه تجدیدنظر، برای انتساب اعمالی که به صورت پراکنده و انفرادی ارتکاب یافته، به دولت ثالث و کنترل‌کننده، به کارگیری معیار کنترل مؤثر مناسب‌تر است زیرا باید اثبات کرد که این اعمال به دستور خاص آن دولت انجام شده است.^{۱۰۱} از نظر دیوان، کنترل موردنظر حقوق بین‌الملل، زمانی وجود دارد که دولتی (در یک مخاصمه مسلحانه) در سازماندهی، هماهنگ‌سازی یا طراحی اقدامات نظامی گروه مسلح و به‌علاوه در تأمین هزینه‌های مالی، آموزشی و تجهیز و مسلح‌نمودن یا ارائه حمایت لجستیکی و عملیاتی آن گروه، نقش داشته باشد. در این صورت اعمال این گروه یا اعضای آن را می‌توان اعمال دولت تلقی کرد، بدون اینکه صدور دستور خاص دولت کنترل‌کننده در زمینه ارتکاب هر یک از اعمال لازم باشد.^{۱۰۲} در نهایت در قضیه *تادیچ*، قضات شعبه با اعمال معیار کنترل کلی چنین نتیجه گرفتند که جمهوری فدرال یوگسلاوی به‌طور کامل بر نیروهای مسلح صرب بوسنی کنترل کلی داشته است و اعمال این گروه مسلح (از جمله اعمال ناقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه) به دولت یوگسلاوی قابل انتساب است.^{۱۰۳} به‌رحال دیوان معیار «کنترل کلی» را در قضایای دیگری از جمله *الکسویچ*،^{۱۰۴} *سلیبیچی*،^{۱۰۵} و *بلکسیچ*^{۱۰۶} به‌کار گرفته است^{۱۰۷} که این نشان از تحول قضایی بین‌المللی در این خصوص است.

۲-۲-۲. دیدگاه کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۸ طرح مسئولیت دولت‌ها بیان می‌دارد: «رفتار یک فرد یا گروهی از افراد طبق حقوق بین‌الملل، اگر این افراد یا گروه بر اساس دستور، هدایت یا کنترل

100. Tadic Case, *op. cit.*, paras.130-131.

101. *Ibid*, para. 131.

102. *Ibid*, paras. 137-138.

103. *Ibid*, para. 145.

104. Aleksovic Case, Judgment, 24 March 2000, para. 134.

105. Celebici Case, Judgment, 16 Nov. 1998, Paras. 230-234.

106. Blaskic Case, Judgment, 3 March 2000, para. 149.

۱۰۷. برای مطالعه متن کامل آراء ن.ک: www.un.org/icty

دولت مزبور مرتکب رفتار متخلفانه شوند عمل دولت محسوب می‌شود.» همان‌طور که مشاهده می‌شود کمیسیون در ماده ۸ واژه کنترل را بدون هیچ‌گونه قیدوبندی ذکر کرده است. وجود برخی ابهامات و عدم ایجاد توافق بین اعضای کمیسیون، مهم‌ترین عامل این وضعیت تلقی شد.^{۱۰۸} کمیسیون در تفسیر ماده ۸، هم به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه و هم به رأی دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ اشاره می‌کند. کمیسیون ضمن اشاره به رسالت متفاوت دادگاه یوگسلاوی سابق که احراز مسئولیت کیفری فرد است و نه مسئولیت دولت، صریحاً نظر دادگاه مزبور را رد نمی‌کند اما تلویحاً معیار کنترل مؤثر ارائه‌شده از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری را می‌پذیرد زیرا کمیسیون در نظر تفسیری خود بیان می‌دارد که برای احراز مسئولیت بین‌المللی ناشی از رفتار متخلفانه افراد یا گروهی از افراد، اعم از سازمان‌یافته یا غیر آن، نمی‌توان به‌صرف احراز کنترل کلی دولت مربوط، کلیه اعمال فرد یا افراد مذکور را قابل انتساب به آن دولت دانست. از این‌رو لازم است در هر قضیه کنترل یا هدایت و سازماندهی انجام‌شده دولت در بخش اساسی رفتار متخلفانه گروه یا سازمان مربوطه بررسی شود.^{۱۰۹}

بنابراین می‌توان گفت که کمیسیون حقوق بین‌الملل هم رویکردی مشابه با رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری اتخاذ کرده است و بسیار واضح است که این رهیافت کمیسیون، موجبات ناخرسندی قضات وقت شعبه تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی را فراهم آورده است.^{۱۱۰} برداشت دیگر از نظریه تفسیری کمیسیون این است که کمیسیون حقوق بین‌الملل در تصویب طرح ۲۰۰۱، رویه قضایی دادگاه یوگسلاوی سابق را مدنظر قرار داده و حتی از آن پیش‌تر رفته است زیرا در چارچوب ماده ۸ دستور یا هدایت و کنترل، هرکدام به‌تنهایی و نه یک‌جا و با هم، برای انتساب عمل به دولت کافی است. در واقع اثبات هر یک از این موارد، عمل متخلفانه افراد را به دولت منتسب می‌کند.^{۱۱۱}

اکنون در پایان این مبحث باید به این سؤال پاسخ داد که برای انتساب اعمال ناقص حقوق بشر و حقوق بشردوستانه گروه‌های مسلح و شورشی در جریان مخاصمه مسلحانه داخلی، به دولت کنترل‌کننده و حامی، کدام معیار مناسب‌تر است؟

همان‌طور که قبلاً گفته شد اثبات معیار کنترل مؤثر و ارائه شواهد و مدارک در این خصوص بسیار دشوار است، بنابراین به نظر می‌رسد به‌کارگیری معیار کنترل مؤثر در حوزه مسئولیت

108. J. Crawford, *The Draft Articles on Responsibility of States for International Wrongful Acts*, Cambridge University, 2002, p. 105.

109. Y.B.I.L.C., *op. cit.*, Commentary of art. 8, 2001, paras, 3-5.

110. A. Cassese, *International Law*, Oxford University Press, Second Edition, 2005, p. 250.

۱۱۱. ممتاز، جمشید و امیرحسین رنجبریان، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی*، میزان، ۱۳۸۶، صص ۱۰۵-۱۰۶.

بین‌المللی دولت‌ها تنها در صدد ایجاد حاشیه امنی برای دولت‌ها است که بتوانند با آموزش و تجهیز و مسلح کردن برخی گروه‌ها، بدون آنکه نگران عواقب بین‌المللی عمل خود باشند، به نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه اقدام کنند یا از طریق گروه‌های تروریستی، به کشتار و ایجاد رعب و وحشت دست بزنند.

به‌رحال اعمال معیار «کنترل کلی» که آستانه پایین‌تری را برای قابلیت انتساب به دولت‌ها ارائه می‌دهد، علاوه بر آستانه پایین، مزایای دیگری هم دارد. اول اینکه به‌کارگیری این معیار مانع از آن می‌شود که نوعی پراکندگی و دوگانگی در آرا و رویه‌های قضایی به‌وجود آید و دیگر اینکه دولت‌ها در عرصه بین‌المللی به‌گونه‌ای عمل نخواهند کرد که مسئولیت آنان در جامعه بین‌المللی مطرح شود بلکه سعی خواهند کرد برای مقررات بین‌المللی احترام بیشتری قائل شوند و در قبال مخاصمات مسلحانه داخلی موضع بی‌طرفانه‌ای اتخاذ نمایند.

۳. قابلیت انتساب اقدامات ناقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ارتكابی در مخاصمه داخلی سوریه به دولت‌های ثالث

کشور سوریه از ژانویه ۲۰۱۱ صحنه اعتراضات مردمی قرار گرفت که تا حدودی متأثر از تحولات سیاسی منطقه خاورمیانه است. تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم که خواهان برخی اصلاحات سیاسی و اقتصادی در کشور بودند پس از مدتی به دلیل عدم پاسخ‌گویی به مطالبات مردمی و البته دخالت عوامل خارجی به خشونت کشیده شد. هم‌اکنون با گذشت سه سال از وقوع بحران سوریه، شواهد حاکی از آن است که این بحران به‌تدریج تبدیل به مخاصمه مسلحانه داخلی بر اساس معیارهای تعریف‌شده در اسناد بشردوستانه شده است که نتیجه آن، کشته‌شدن بیش از یک‌صد هزار نفر و آوارگی میلیون‌ها شهروند سوری بوده است.

با وقوع درگیری مسلحانه بین نیروهای دولتی سوریه و گروه‌های مخالف دولت، برخی از کشورها نظیر عربستان، قطر و ترکیه به همراه تعدادی از دولت‌های غربی به‌سرعت حمایت خود را از گروه‌های مسلح مخالف مستقر در سوریه اعلام نموده و اقدام به شناسایی شورای ملی مخالفان به‌عنوان نماینده مشروع مردم سوریه نمودند. به نظر می‌رسد این شناسایی زودرس برخلاف موازین حقوق بین‌الملل باشد.^{۱۱۲}

۱۱۲. پروفیسور لاتریاچت در کتاب «شناسایی در حقوق بین‌المللی» ضابطه‌ای عرضه کرده که به‌موجب آن: «تا زمانی که انقلاب کاملاً پیروز نشده و حکومت قانونی درگیر با جنگ داخلی در سرزمین ملی باقی مانده و هنوز اعمال صلاحیت و اقتدار می‌کند فرض بر آن است که آن حکومت نماینده کل کشور است... تا زمانی که حکومت قانونی از خود آن‌چنان مقاومتی نشان می‌دهد که شناسایی رسمی طرف انقلابی به‌عنوان حکومت مشروع، نوعی شناسایی زودرس خواهد بود که نوعی مداخله برخلاف موازین حقوق بین‌الملل خواهد بود.

طبق اخبار و اطلاعات دریافتی، از هنگام شروع ناآرامی‌ها در سال ۲۰۱۱ و با تشدید بحران و تبدیل آن به مخاصمه مسلحانه داخلی، دولت‌های غربی به‌ویژه آمریکا، انگلیس و فرانسه در کنار متحدین عرب خود و دولت ترکیه اقدامات زیادی در جهت حمایت و پشتیبانی از گروه‌های مسلح مخالف حکومت سوریه انجام داده‌اند. این اقدامات از پشتیبانی مالی، لجستیکی، اطلاعاتی و تسلیحاتی تا آموزش نیروهای مسلح مخالف و حمایت مالی از آن‌ها را در بر می‌گیرد. به‌ویژه برخی کشورهای عرب منطقه همچون عربستان و قطر^{۱۱۳} صراحتاً به مسلح کردن گروه‌های مسلح مخالف در سوریه و مجهز کردن آن‌ها به انواع تسلیحات اعتراف نموده‌اند.^{۱۱۴}

کمک تسلیحاتی و مالی کشورهای مزبور، نقض بند ۷ ماده ۲ منشور یعنی اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها و نیز قطعنامه ۱۹۷۰ مجمع عمومی ملل متحد در مورد اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها به‌شمار می‌رود. با استناد به همین اصول است که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه اعلام نمود که دولت آمریکا با آموزش نظامی، تجهیز، اعطای کمک‌های مالی به نیروهای شورشی مخالف دولت نیکاراگوئه، یا تشویق، طرفداری، کمک به فعالیت‌های نظامی یا چریکی علیه دولت نیکاراگوئه تعهدات بین‌المللی خویش را درباره منع مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر و منع کاربرد زور در روابط بین‌المللی علیه کشورهای دیگر، نقض نموده است.^{۱۱۵}

علاوه بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌های مداخله‌گر، به دلیل نقض اصل عدم مداخله و توسل به زور علیه تمامیت سرزمینی و استقلال سیاسی کشور سوریه که جزء قواعد بنیادین و آمره حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود، مسئولیت این دولت‌ها از بابت اقدامات و اعمال ناقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ارتكابی توسط گروه‌های مسلح مخالف تحت حمایت آن‌ها در چارچوب مواد ۸ و ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها و نیز ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو قابل طرح است. به‌موجب ماده ۸ طرح مسئولیت دولت‌ها، اعمال اشخاص و گروه‌های خصوصی که بنا به دستور، تحت هدایت یا کنترل یک کشور انجام گرفته به آن کشور منتسب است. همان‌طور که ملاحظه شد

H. Lauterpacht, *Recognition in International Law*, Cambridge University Press, 1947, pp. 93-94.

۱۱۳. به گزارش العالم به نقل از روزنامه «فایننشال تایمز»، قطر طی ۲ سال گذشته حدود سه میلیارد دلار برای حمایت از مخالفان سوریه هزینه کرده است که این رقم بسیار بالاتر از هزینه‌های کشورهای دیگر است. عربستان در رتبه بعدی کمک به مخالفان مسلح سوریه قرار دارد. همچنین بر اساس تحقیقات مرکز پژوهش‌های صلح در استکهلم که در حال پیگیری فرایند ارسال سلاح برای مخالفان سوریه است، قطر بزرگترین حامی ارسال سلاح به سوریه به‌شمار می‌آید به‌گونه‌ای که این کشور از آوریل ۲۰۱۲، هزینه ارسال بیش از ۷۰ محموله هوایی سلاح به ترکیه و از آنجا به مقصد سوریه را پرداخته است.
<http://www.Masherghnews.ir/falnews/z/5386/20/3>

۱۱۴. www.cfr.org/syrias-crisis.../p28402/20i3/, and <http://mail.jahannews/vdcirya rytlay42.cbct.html>

۱۱۵. Nicaragua Case, *op. cit.*, para. 146.

میزان و درجه کنترلی که دولت اعمال می‌کند، به‌ویژه در محاکم بین‌المللی که دو معیار «کنترل مؤثر و کنترل کلی» را در تفسیر ماده ۸ به کار گرفته‌اند مورد تفسیرهای متفاوتی قرار گرفته است. آنچه مسلم است این است که در پرتو آرای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۶ و در قضیه نسل‌کشی در بوسنی و هرزگوین در سال ۲۰۰۷ و به‌کارگیری معیار کنترل مؤثر، همه اقدامات و اعمال ناقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه گروه‌های مسلح مخالف در سوریه، به دولت‌های حامی و تجهیزکننده آن‌ها قابل انتساب نیست زیرا انتساب در هر مورد مستلزم اثبات کنترل مؤثر این دولت‌ها یا اثبات دستور خاص در هر عملیات منجر به نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از جانب دولت‌های مزبور است.

اما همان‌طور که دیوان در قضیه نیکاراگوئه اعلام نمود، نفس همین کمک مالی، نظامی، تجهیز و مسلح‌نمودن این گروه‌ها یا ارائه آموزش و اعزام نیرو برای همراهی این گروه‌ها در شرایط جنگ داخلی موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حامی و کنترل‌کننده را فراهم می‌کند؛^{۱۱۶} به‌ویژه اینکه دولت‌های مداخله‌گر در سوریه با آگاهی کامل از ماهیت گروه‌های مسلح مخالف دولت سوریه و اعمال و اقدامات غیرانسانی و ناقض حقوق بنیادین بشردوستانه آن‌ها، اقدام به ارسال سلاح و تجهیزات و کمک‌های مالی و اطلاعاتی برای آن‌ها می‌نمایند.

اما در پرتو معیار «کنترل کلی» و تبعیت از رویه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق به‌ویژه از آنجاکه در اینجا نیز بحث ارتکاب نقض حقوق بشردوستانه در جریان مخاصمه داخلی مطرح است، اثبات مسئولیت دولت‌های حامی گروه‌های مسلح مخالف در سوریه به‌مراتب آسان‌تر خواهد بود. همچنین به‌موجب ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها، دولت‌های عرضه‌کننده سلاح و تجهیزات نظامی برای دولت سوریه و نیز گروه‌های مسلح مخالف به دلیل کمک و مساعدت در ارتکاب افعال متخلفانه بین‌المللی توسط دولت سوریه و گروه‌های مزبور، مسئولیت خواهند داشت. طبق این ماده، دولتی که در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی به دولت دیگر مساعدت یا کمک می‌کند، مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت اگر که:

الف) آن دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی به این کار اقدام کند؛ و

ب) فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در نظر تفسیری خود در این خصوص مقرر داشته... دولتی که کمک‌های مادی در اختیار دولتی قرار می‌دهد که از این کمک‌ها برای ارتکاب نقض‌های حقوق بشری استفاده می‌کند موجب مسئولیت بین‌المللی خویش می‌شود. مجمع عمومی سازمان ملل

متحد بارها از دولت‌های عضو خود خواسته است که از ارائه سلاح و دیگر کمک‌های نظامی به کشورهایی که از ناقضان جدی حقوق بشر هستند، خودداری کنند.^{۱۱۷}

ارائه کمک برای نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در عمل معمولاً به صورت کمک تسلیحاتی صورت می‌گیرد. تا جایی که استفاده از سلاح‌های مزبور منع نشده باشد، کشور ارائه‌کننده تسلیحات، مسئول نقض‌های حقوق بشردوستانه نیست که با استفاده از این تسلیحات توسط کشور یا گروه‌های مسلح مخالف دریافت‌کننده ارتکاب می‌یابد. ولی به هر حال، همین که دولت ارائه‌کننده تسلیحات بداند و آگاه باشد که کشور یا گروه‌های دریافت‌کننده با استفاده از آن سلاح‌ها، به طور منظم مرتکب نقض حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه می‌شوند، باید انتقال و ارائه سلاح را به دریافت‌کنندگان متوقف کند حتی اگر آن سلاح‌ها قابلیت استفاده مشروع و قانونی نیز داشته باشد.

در واقع، همین که کشور ارائه‌کننده سلاح از ارتکاب این نقض‌ها مطلع شود، بدیهی است کمک‌های بعدی به منظور تسهیل ارتکاب نقض‌های بعدی صورت می‌گیرد. بنابراین کشوری که با اطلاع از نقض منظم حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی کشور یا گروه‌های دریافت‌کننده، همچنان به کمک‌های تسلیحاتی و نظامی خود به آن‌ها ادامه می‌دهد، مرتکب نقض تعهد به تضمین احترام و رعایت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و همین‌طور ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها شده است.^{۱۱۸} بنابراین با در نظر گرفتن این اصول و با وجودی که دولت‌های کمک‌کننده به طرف‌های مخاصمه در سوریه، از ارتکاب جرائم جنگی همچون قتل، گروگان‌گیری، اعدام‌های شتاب‌زده و بدون محاکمه، شکنجه و به کارگیری انواع تسلیحات از سوی آن‌ها که توسط کمیسیون بین‌المللی تحقیق سازمان ملل برای سوریه^{۱۱۹} و خبرگزاری‌های بین‌المللی گزارش شده است، مطلع هستند و با آگاهی از این شرایط باز هم اقدام به ارسال سلاح و دیگر کمک‌های مالی برای طرف‌های مخاصمه می‌کنند، به موجب ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها، زمینه تحقق مسئولیت بین‌المللی ناشی از کمک و مساعدت در ارتکاب اعمال ناقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، در سوریه برای آن‌ها فراهم خواهد شد.

علاوه بر آن می‌توان گفت دولت‌های ثالث که اقدام به کمک‌های مالی، نظامی و آموزشی به طرف‌های مخاصمه داخلی همچون جنگ داخلی سوریه می‌نمایند از بابت نقض قاعده عرفی «تعهد به تضمین رعایت قواعد بشردوستانه» مندرج در ماده ۱ مشترک نیز مسئولیت خواهند داشت: همان‌طور که قبلاً گفته شد بر اساس این قاعده عرفی، دولت‌های ثالث نه تنها مسئولیت دارند

117. U.N.Y.I.L.C., 2001, para. 9.

118. M. Sassoli, "State Responsibility for Violations of International Humanitarian Law", *IRRC*, June 2002, vol. 84, No. 846, pp. 412-413.

119. Reports of the Independent International Commission of Inquiry on the Syria Arab Republic, 2012, 2013).

از طریق اقدامات یک‌جانبه یا جمعی مقتضی علیه آن دسته از طرف‌های درگیری که در حال نقض حقوق بشردوستانه هستند، اقدام نمایند و به‌ویژه با دولت‌ها و گروه‌های مسلح ناقض، طوری عمل کنند که در توقف این موارد نقض مؤثر باشند.^{۱۲۰} بلکه تعهد حقوق سلبی بر عدم تشویق یک طرف مخاصمه به نقض حقوق بشردوستانه و عدم اتخاذ تدابیری در جهت کمک و مساعدت به نقض این اصول را آن‌گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی نیکاراگوئه^{۱۲۱} به آن اذعان داشته است، برعهده دارند. برای مثال می‌توان به ممنوعیت انتقال و ارسال سلاح و تجهیزات نظامی برای طرفین یک مخاصمه اشاره کرد درحالی‌که می‌دانیم این سلاح‌ها در جهت ارتکاب نقض حقوق بشردوستانه در آن مخاصمه به کار خواهند رفت.^{۱۲۲}

لذا دولت‌های ارسال‌کننده سلاح و تجهیزات نظامی به طرف‌های مخاصمه داخلی سوریه که با اطلاع از نقض‌های منظم حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی آن‌ها، همچنان به کمک خود به آن‌ها ادامه می‌دهند، تعهد به تضمین احترام لازم به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نیز نقض نموده‌اند.

نتیجه

مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ثالث ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در جریان مخاصمات داخلی که بخشی از قاعده کلی تحت‌عنوان مسئولیت ناشی از کمک، مساعدت یا معاونت در نقض حقوق بین‌الملل است، در رویه قضایی بین‌المللی، طرح پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها و نیز اسناد حقوق بشردوستانه پذیرفته شده و تنها در خصوص چگونگی تحقق آن، معیارهای مختلفی مطرح شده است. به‌هرحال حمایت رو به افزایش کشورها از گروه‌های نظامی و شبه‌نظامی مخالف حکومت‌ها و حتی گروه‌های تروریستی در جریان مخاصمات مسلحانه داخلی، سبب دامنه‌دارشدن این مخاصمات و در نتیجه تداوم آن شده است. به‌علاوه وقوع این نوع مخاصمات نیز تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به حساب می‌آید. بنابراین مسلماً باید معیاری را برای انتساب انتخاب نمود که آستانه پایین‌تری داشته باشد تا بتوان به استناد آن، به‌راحتی دولت‌های ثالث مداخله‌گر را مسئول اقدامات مداخله‌جویانه و نیز اعمال ناقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ارتكابی از سوی گروه‌های تحت حمایتشان قلمداد کرد.

بنابراین می‌توان گفت معیار کنترل کلی به‌کارگرفته‌شده در رویه قضایی دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق که آستانه پایین‌تری برای انتساب اعمال گروه‌های مسلح و شورشی درگیر در

120. ICRC, "Improving Compliance with International Humanitarian Law", Background paper prepared for informal high-level expert meeting on current challenges to international Humanitarian Law, Cambridge, June 25-27, 2004.

121. Nicaragua Case, *op. cit.*, Para. 200.

122. *Ibid* [120].

مخاصمه داخلی به دولت‌های حامی و کنترل‌کننده آنان تعیین می‌نماید، معیار مناسب‌تری است زیرا اگر هدف قواعد بشردوستانه، تضمین حمایت بیشتر از غیرنظامیان و قربانیان مخاصمات مسلحانه و تعقیب و محاکمه آسان‌تر مرتکبان نقض این قواعد است، تنها با اعمال معیار کنترل کلی این هدف مهم محقق می‌شود. به‌علاوه موجب می‌شود که دولت‌های ثالث در حمایت از این گروه‌ها و اشخاص احتیاط بیشتری بکنند چرا که با حمایت و پشتیبانی مالی، نظامی و تجهیز و مسلح‌نمودن این گروه‌ها، زمینه تحقق مسئولیت خود را فراهم خواهند نمود.

از طرف دیگر با اعمال معیار کنترل کلی و اثبات آسان‌تر مداخله دولت‌های ثالث، مخاصمه داخلی به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی تبدیل شده و در نتیجه حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی که نسبت به قواعد بشردوستانه حاکم بر مخاصمات داخلی به مراتب تضمینات و حمایت‌های بیشتر و کامل‌تری را مقرر می‌کند، بر آن‌ها حاکم می‌شود.

توجه به این نکته نیز ضروری است که برخلاف نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل، استفاده از کنترل کلی به‌هیچ‌وجه به رویه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق که رسالت آن را احراز مسئولیت کیفری فرد و توسعه حقوق بشردوستانه بین‌المللی به مخاصمات غیربین‌المللی می‌داند محدود نمی‌شود بلکه این معیار در آرای محاکم قضایی و داوری دیگر نیز اعمال شده است. به‌رحال اگر اعمال معیار «کنترل کلی» نمی‌بایست یا نمی‌تواند در همه حال ملاک قرار گیرد، بهتر آن است که در موارد نقض شدید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه که هدف هر دو، حمایت از حقوق بنیادین انسان‌هاست، معیار کنترل کلی جهت قابلیت انتساب و تحقق مسئولیت دولت‌ها ملاک عمل قرار گیرد و در سایر موارد، کنترل مؤثر اعمال شود.

در حال امروزه بحث قابلیت انتساب اعمال گروه‌های شورشی و حتی گروه‌های تروریستی به‌ویژه در مخاصمات داخلی یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی جامعه بین‌المللی است و قواعد مرتبط با قابلیت انتساب عمل متخلفانه در طرح ۲۰۰۱ مسئولیت دولت‌ها دارای ابهام بوده، لذا باید با تحولات نوین حقوق بین‌الملل انطباق داده شود. به‌علاوه دیوان بین‌المللی دادگستری هم به‌جای تأکید بر رویه خود در این خصوص، بهتر است موضعی را اتخاذ نماید تا به‌راحتی قابلیت انتساب نقض قواعد بنیادین حقوق بین‌المللی را احراز نماید.

از این‌رو در مخاصمه داخلی سوریه، در پرتو معیار «کنترل کلی» و تبعیت از رویه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق به‌ویژه از آنجاکه در اینجا نیز بحث ارتکاب نقض حقوق بشردوستانه در جریان مخاصمه داخلی مطرح است، اثبات مسئولیت دولت‌های حامی گروه‌های مسلح مخالف در سوریه به‌مراتب آسان‌تر خواهد بود.

منابع:

- فارسی

- ابراهیم گل، علیرضا، مسئولیت بین‌المللی دولت، پژوهش‌های حقوقی، شهردانش، ۱۳۹۱.
- آذری، بهزاد، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال خشونت‌آمیز اشخاص خصوصی در چارچوب تروریسم» قابل دسترس در سایت www.internationallaw.ir
- رستمی، زینب، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در عملیات حفظ صلح، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.
- شفیعی، محمد، «بررسی مشروعیت دخالت‌های نظامی بشردوستانه از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۲۰، ۱۳۷۵.
- صابری، هنگامه، ضمانت اجرای حقوق بشردوستانه، تعهد دولت‌ها در ترغیب یکدیگر به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸.
- عبدالهی، محسن، تروریسم: حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، شهردانش، ۱۳۸۸.
- عسگری، پوریا، «مسئولیت بین‌المللی افراد و دولت‌ها در پرتو ضابطه کنترل»، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۴۰، ۱۳۸۸.
- مستقیم، بهرام و مسعود طارم‌سری، مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ممتاز، جمشید و امیرحسین رنجبریان، حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخصصات مسلحانه داخلی، میزان، ۱۳۸۶.
- هنکرتز، ژان ماری و دیگران، حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، انتشارات مجد، ج اول، ۱۳۸۷.

- لاتین

- Chayes, A, Ehrlich, T, Lowenfel T, *International Legal Process*, 1986.
- Bird, A, "Third State Responsibility for Human Rights Violations", *EJIL*, vol. 21, No. 4, 2011.
- Cassese, A, *International Law*, Oxford University Press, Second Edition, 2005.
- Cassese, A, "The Nicaragua and Tadic Case, Revisited in the Light of the ICJ Judgment of Genocide in Bosnia", *EJIL*, vol. 18, No. 4. 2007.
- Crawford, J, *The Draft Articles on Responsibility of States for*

International Wrongful Acts, Cambridge University, 2002.

- Tomuschat, C, "International Crimes by States: an Endangered Species", in Wellens K. (ed), *International Law, Theory and practice*, 1998.
- Gibney, M, State Responsibility and the Object and Purpose of the Genocide Convention, *International Studies Journal*, vol. 4, No. 283, 2007- 8.
- Gibeny, M, Tomasevski, K, and Vedsted- Hansen J, "Transnational State Responsibility for Violation of Human Rights", *Harvard Human Rights Journal*, vol. 129, 1999.
- Lauterpacht, H, *Recognition in International Law*, Cambridge University Press, 1947.
- Lauterpacht, E, "The Contemporary Practice of the United Kingdom in the Field of International Law", *International Comparative Law Quarterly*, vol. 7, Part 3, 1959.
- Pictet, J, Commentary on the Geneva Convention I of 1949, ICRC, Geneva, 1960.
- Quigley, J.K, "Transnational States Responsibility for Violations of International Law", *Australian Journal of International Law*, vol. 226, 2006.
- Talmon, "The Various Control Tests in the Law of State Responsibility and the Responsibility of Outside Powers for Acts of Secessionist", *International and Comparative Law Quarterly*, vol. 58, 2009.
- Sassoli, M, "State Responsibility for Violations of International Humanitarian Law", IRRC June 2002, vol. 84, no. 846.
- Fenrick, W J, "The Development of the Law of Armed Conflict through the Jurisprudence of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia", *Journal of Armed Conflict Law*, vol. 2, No, 3, 1998.
- The Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries, Y.I.L.C, 2001, vol. II, part Two, available at: <http://untreaty.un.org/ilc/dtsearch/>
- Draft Articles on Responsibility of International Organizations (DARIO)
- Final Declaration of the International Conference for the Protection of War Victims, 1/9/1993, Geneva.
- 28th International Conference of the Red Cross and Red Crescent, 2-6 December 2003, pp. 23, 47-51 available at: <http://www.icrc.org>
- Annual Report of International Conference of Red Cross, No. 298, January – February 1994. ICRC, "Improving Compliance with International Humanitarian Law", Background Paper Prepared for Informal High-Level Expert Meeting on Current Challenges to International Humanitarian Law, Cambridge, June 25-27, 2004.
- Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa

in Namibia Notwithstanding Security Council Resolution 276/1970.

- Report of The Economic and Social, Report of Third Committee of the General Assembly, Draft Resolution XVII, 14 December 1982, A/37/145.
- New York Times, 6 March 1984, P. A I, Col. I
- New York Times, 6 March 1984, p. A3, Col. 1
- <http://www.masherghnews.ir/falnews/z/5386/2013>
- [cfr.org/syrias-crisis .../p28402/2013/](http://cfr.org/syrias-crisis.../p28402/2013/)
- http://mail.jahanneews/vdcirya_rytlay42.cbct.html
- Aleksovic Case, judgment, 24 March 2000.
- Bosnian Genocide Case, I.C.J Reports, 2007.
- Celebici Case, Judgment, 16 Nov. 1998.
- Blaskic Case, Judgment, 3 March 2000.
- *Loizidou v. Turkey*, European Court of Human Rights, Judgment, 18 Dec. 1996.
- Namibia Case, I.C.J Reports, 1971.
- Nicaragua Case, I.C.J Reports, 1986.
- *Prosecutor v. Tadic*, Opinion and Judgment, case no. It. 94.IT, Trial chamber, 7 May 1997.
- *Prosecutor v. Tadic, op. cit.*, Separate and dissenting opinion of Judge McDonald Regarding The Applicability of Article 8 The Statute.
- Y.B.I.L.C, 1978, vol. II, para 1, p. 59.
- Y.B.I.L.C, 1987, vol. II, para 2, pp. 104-105.
- Y.B.U.N, 1980, p. 427.
- Y.B.U.N, 1982, p. 413.
- Y.B.U.N, 1998, p. 436.